

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
درباره تبلیغات رادیویی سراسر کذب طرفداران "کنگره هشتم"

در صفحه ۵

صلح و رشکستگی و شکست سیاسی رژیم

رژیم خمینی که بناچار و از سر ورشکستگی و افلاس مجبور به قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد گردید، اکنون در تبلیغات خود، میخواهد حرفهای گذشته را از ذهن مردم بزداید و اینگونه وانمود کند که انجام صلح خواست رژیم خمینی بوده و این رژیم با قبول آتش بس یک گام بزرگ پیروزسند برداشته است. برای رد این ادعاهای رژیم باید باز هم از گفتهها و نوشتههای سران رژیم و مطبوعات وابسته بدان نقل کرد تا روشن شود که "صلح" طلبی رژیم از چه زاویه‌ای صورت گرفته و قبیل از قطعنامه، از جانب رژیم، نظر گردانندگان رژیم در مورد صلح چه بوده است. روزنامه کیهان چند ماه قبل از قبول قطعنامه شورای امنیت، مقاله‌ای در رد صلح دارد که چنانچه قسمت هایی از آن گویای بسیاری از مطالب است. روزنامه کیهان در تاریخ ۲۲ و ۲۳ اسفند ۶۶ تفسیر سیاسی چاپ کرده که در قسمت اول این تفسیر نویسنده سوال کرده که: "چرا جمهوری اسلامی ایران حاضر به صلح با عراق نیست" و سپس خود می‌گوید: "به حد افراط تکرار شده (شعار صلح) و معمولاً پاسخی که به القاع صاحبان این پرسش انجامیده، این است که در ایران، زمامداری در دست مرفهانی لجوج و متعصب است که توجهی به منافع ملت و کشور خود نداشته و مصمم هستند که جنگ را حتی به بهای تخریب بنیادهای اقتصادی ایران با هدف سقوط رژیم عراق دنبال کنند. ۱۰۰۰ اهتمام ما در این نوشتار در این است تا از خلال بررسی عمیق و دلایل عدم پذیرش سازش از سوی ایران با رژیم عراق، به اثبات این حقیقت کمک کنیم که چنین سازشی نه تنها کمترین رهاورد مثبتی برای ملت در صفحه ۶

رابطه با آمریکا و تاکتیک آخوندی

وقامت آخوندی از "پیروزیهای" هرگز بدست نیامده سخن می‌گویند. اما آخوند حجتی گرمایی به شکل دیگر این شکست مفتضحانه خمینی را توضیح میدهد و می‌گوید: "خیلی‌ها، اگر کسی قبل از قبول قطعنامه به آنها می‌گفت که امام با لاخره قطعنامه را قبول می‌کند و حاضر به صلح می‌شود، توی دهنش سرب می‌ریختند، چرا؟ برای این که استراتژی را با تاکتیک اشتباه می‌گرفتند، نمی‌خواهم بگویم آنچه امام در آن ایام گفت "تاکتیک" بود، می‌خواهم بگویم در آن ایام، استراتژی و تاکتیک به هم جوش خورده بود و استراتژی امام در کل اهداف انقلاب، در شرایط جنگی به گونه‌ای با تاکتیک زودگذر آن ایام گره خورده بود که حتی در تمرینات امام، تاکتیک و استراتژی توی هم رفته بود و سرزهایشان برداشته شده بود." (اطلاعات ۲۶ شهریور ۶۷)

آخوند حجتی گرمایی که طی دوران پس از انقلاب همواره نقش سازش دادن جناحهای مختلف درون رژیم در صفحه ۲

آخوند محمد جواد حجتی گرمایی که یکی از اعضای نهاد رهبری جمهوری خمینی است، طی یک مقاله‌ای در یکی از شماره‌های شهریور ماه روزنامه اطلاعات تحت عنوان "انقلاب، استراتژی و تاکتیک" به مسائلی اشاره می‌کند که افشا کننده واقعیت‌های بسیار در مورد رژیم خمینی است. این مقاله نیز این مساله را روشن می‌کند که آن مساله اساسی که محور تفکدهای داخلی رژیم است، رابطه با آمریکا و مساله به اصطلاح بازسازی می‌باشد. در این موارد آن نیرویی که بنا به دلائل معین نمی‌تواند حرکات خمینی را درک کند، بدنه "حزب الله" است که اکنون شکست خورده و ناامید نه فقط نتوانست "کریلا" را فتح کند، بلکه اکنون به عیان شاهد پیشروی گام به گام آمریکا و تسخیر مواضع حزب الله توسط شیطان بزرگ است. ایلان وقتی نسبت به حرکات خمینی واکنش نشان می‌دهند، وقتی اظهار بی‌اعتقادگی، سرخوردگی، یاس و شکست می‌کنند، سران چپ‌اولنگر "حزب الله" بجای آنان در صحنه ظاهر میشوند و با

محکومیت رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت

۹۲۲ تن از نمایندگان پارلمان های ۱۴ کشور اروپا و پارلمان اروپا و ۵۲ تن از رهبران احزاب سیاسی و سندیکاهای کارگری و شخصیت‌های اجتماعی، بیانیه‌ای در محکوم کردن رژیم خمینی و اعلام حمایت از شورای ملی مقاومت ایران و ارتش آزادیبخش ملی به امضا رساندند. امضا کنندگان این بیانیه با استناد به "لیست آسامی و مشخصات بیش از ۱۴۰۰۰ نفر از اعدام شدگان سیاسی توسط رژیم خمینی" و همچنین اظهارات اسف آذربایجان اطلاعات در صفحه ۱۱

در این شماره:

- اخبار و رویدادها ۰۰۰۰
 - ارائه امارت محول تلفات جنگ از سوی رژیم آخوندی
 - بیانیه عضو بین الملل در محکومیت کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی
 - آخوندها و حلال و حرام بودن بازی شطرنج
 - طرح ادغام سپاه و ارتش
 - نمایشگاه بین المللی تهران
 - یک نو دهنی به خمینی
 - نظاره‌ها در الجزایر
 - نظاره‌ها در برمه
 - فلسطین اشغالی
- پاسخ سوم: سوابع بزرگ پرسش راه شورا چه بوده؟ و آیا شورا توانسته است بر آنها فائق آید یا نه؟
به نقل از نشریه راه آزادی شماره ۱۴ - تیر ۶۵ ویژه پنجمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت
- در هشادویکمین سالگرد انقلاب اکتبر
گرامی باد ۱۲ آبان روز خونین دانش آموز

نامه محرمانه موسوی به خامنه‌ای

در ادامه تشدید بحرانهای داخلی که گرمیسان سرمداران رژیم ولایت فقیه را گرفته است، در هفته های اخیر موج تازه‌ای از برخوردهای علنی میان راس هرم حکومتی تا پایین ترین رده‌های "حزب الله" را مشاهده می‌کنیم. این برخوردها که از روی ناچاری و عدم توان در کنترل آنها به بیرون در می‌کشند، نشانه‌هایی گویا از افکار گسختگی و در هم ریختگی رژیمی را عیان می‌سازد که بعد از شکست خفت بسیار در جنگ، با ادعای پیروزی، در بوقیای می‌دمد و خود را با کمک امپریالیسم و ارتجاع جهانی معقول و رام شده نشان می‌دهد. بدینال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی که در مورد ختل و اجبارات پذیرش آن قبلاً بسیار صحبت شده است، در جناح بندی جدید در رژیم خمینی مشهود گردید که به حرات می‌توان گفت دوام و بقای اندک رژیم در گرو حل نشاند ایمن در جناح خواهد بود. جناح اول که خواهان گرایش کامل به غرب و رابطه مستقیم با امریکاست راه حلی را ارائه می‌دهد که در آن اقتصاد آزاد و سیاست درهای باز بر روی غرب و امریکا محدود کردن کنترل دولت در زمینه‌های اقتصادی مشخص می‌شود. ایمن در صفحه ۲

شکست پینوشه در انتخابات

با اوج گیری جنبش مردمی بر علیه دیکتاتوری ۱۵ ساله پینوشه در شمالی دولت نظامی این کشور اعلام کرد که در تاریخ ۵ اکتبر جاری یک همه پرسسی عمومی انجام خواهد شد که در آن زلزال پینوشه تنها کاندیدای موجود خواهد بود و از همه مردم خواست که در این همه پرسسی شرکت کرده و با دادن "آری" به پینوشه موافقت خود را با وی اعلام دارند. بدینال این مطلب در ۴ سپتامبر جاری حدود صد هزار نفر در سانتیاگو دست به نظاره‌ها مخالف با پینوشه زده و خواستار کناره گیری وی شدند. در این حال دولت نظامی برای گمراه کردن افکار عمومی به یک سلسله ترندهای سیاسی دست بازید از جمله اعلام کرد که مهاجرین سیاسی که تا بحال در دادگاهها در صفحه ۱۱

نامه محرمانه موسوی به خامنه ای

۱ صفحه

جناح که خامنه ای رئیس جمهور رژیم و رئیس جاسوسی رژیم مجلس در رأس آن با هم سر کردن خود و کاهش تضادهای فیمابین عمل می کنند کلیه نیروها و اسلحه خود را بسج کرده و چهار نعل بطرف اهداف خود می تازند . جناح دیگر که موسوی نخست وزیر و محتشمی وزیر کشور در رأس آن قرار دارند با مشاهده اقدامات جناح مقابل و کوتاه شدن روز بروز دست دولت و بحساب نماندن در معادلات جاری ، از موضع مخالف با جمع کردن امکانات خود و با طرح شعارهایی از قبیل " حل انقلابی مشکلات بعد از جنگ " و گرایش نشان دادن به ارتباط با کشورهای جهان سوم و تاکید بر کنترل دولت بر اقتصاد کشور و همچنین از موضع ضد غربی و ضد آمریکایی و " حفظ آرمانهای امپیل انقلاب " به میدان آمد . در اولین واکنش خود موسوی در نامه ای خطاب به خامنه ای استعفاي خود را ارائه داد که این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی که موسوی از نفوذ زیادی در آن برخوردار است به چاپ رسید . راهبوی رژیم در بعد از ظهر همان روز جواب خامنه ای را مبنی بر عدم پذیرش استعفاي وی اعلام کرد . نامه علنی نخست وزیر ظاهرا دلیل استعفاي را آگاهی وی از عدم پذیرفته شدن ۸ تن از وزیران معرفی شده به مجلس عنوان می کرد . خامنه ای ضمن عدم پذیرش استعفاي موسوی از وی گلّه کرد که چرا در این موقعیت حساس دست به ابتکار زده است . تضاد آشکار گردید و حل آن موکول به دخالت مستقیم جلال جماران شد . خمینی در نامه شدیدالحنی به موسوی از اینکه وی مقامات بالای مملکت را در جریان این امر فرار نداده و بی خبر این نامه را علنی کرده است اظهار تاسف کرده و ضمن دادن اختیارات بیشتر به " شورای تشخیص مصلحت نظام " که همان جناح مخالف باشند به وی دستور داد در مقام خود باقی بماند و نخست وزیر بعنوان " مقلد امام " اطاعت کرد و ظاهرا تضاد کاهش یافت .

در تاریخ ۱۴ شهریور نامه محرمانه ای از موسوی خطاب به خامنه ای منتشر گردید که در آن از علل واقعی استعفاي نخست وزیر خمینی سخن رفته است . این نامه که به ظن قوی توسط جناح نخست وزیر به بیرون فرستاده شده پاسخ این جناح به ضربه ای است که از خمینی دریافت داشت . در این نامه موسوی به مواردی اشاره می کند و می گوید :

" اسلوب الاختیار شدن دولت در سیاست خارجی امروز امور افغانستان و عراق و لبنان در دست جناب عالی است . نامه هایی به عنوان کشورهای مختلف نوشته میشود بی آنکه دولت از آنها خبری داشته باشد . اینجانب به عنوان نخست وزیر ، از این نامه ها جز در موارد استثنایی و آنهم بطور اتفاقی بی خبرم ."

نخست وزیر زاین برای ریاست محترم مجلسی و ریاست محترم مجلس برای نخست وزیر زاین نامه می نویسد و اینجانب در یک مراسم عمومی و مردمی از این ماجرا با خبر می شوم!

آقای لاریجانی در جایی می گوید از پنج کانال بسا آمریکا نشان گرفته می شود و بنده بعنوان رئیس هیئت وزیران از این کانالها اطلاعی ندارم!

همه جا صحبت از سیاستهای خارجی دولت جمهوری اسلامی است بدون آنکه دولت از این سیاستها که در همه جای کشور و جهان بیان میشود ، خبر داشته باشد .

۳- عملیات بیرون مرزی که بدون اطلاع و دستور

رابطه با آمریکا و تاکنیک آخوندی

از صفحه ۱

را بعهد گرفته در ادامه مطلب خود می نویسد : " اگر یک روزی ، ملاحظه کردید امام رضایت داد که ما با " شیطان بزرگ " رابطه پیدا کنیم ، هیچگاه تعجب نکنید چون هیچگاه و به هیچ وجه با اهداف استراتژیک امام و انقلاب منافات ندارد . این هیچگاه " تغییر موضع " و " فراموش کردن " با " تحریف " و " مسخ " اهداف انقلاب نیست . این همان بازگشت به عقب کوهنورده است برای رهائی از خطر " همانجا " حتی کرمانی در ادامه مقاله خود ، سیاست زورانه خمینی در رابطه با آمریکا را با بیان اینکه مردم قیمت " دلاری " میوه و سبزی را همراه با شعار " مرگ بر آمریکا " بیان می کنند ، آشکار می کند . این همان سیاست خنجر از پشت به مبارزه استقلال طلبانه توده ها است که خمینی در شکل عامیانه و مزورانه مبارزه با آمریکا و مبارزه با شیطان بزرگ و زیر پوشش شعار " مرگ بر آمریکا " بدان عمل می کرد و می کند . اکنون جناحی از رژیم به قلمم آخوند حجتی کرمانی اعتراف می کند که علیرغم شعارهای پوچ و توخالی ، نتوانسته اند به اهداف خود دست یابند . حجتی کرمانی می نویسد : " با وضع کنوسی ، شعارها و اهداف اعلام شده ما - خدا و کلی - قابل اجرا نیست ! " (همانجا) و بدین ترتیب روشن می شود که آنچه شعر و شعار برای فتح " اقدس ! " از راه کرمان و مبارزه با آمریکا ، فقط برای اهداف ارتجاعی حاکمیت و لایح فیه بوده که اکنون آنرا غیر قابل اجرا میدانند و بنابراین خواهی ارنند که " رابطه با شیطان بزرگ " در دستور کار قرار گیرد تا شاید رسیدن به اهداف ارتجاعی عملی باشد . و بالاخره در این مورد نیز حجتی کرمانی به حزب الله هشدار می دهد که گوش به زنگ باشد برای شنیدن خبر رابطه با آمریکا ، تا در آن موقع " شوکه " نشوند . حجتی کرمانی به آندسته از " حزب الهی " های گون که هنوز قشایا را نمی فهمند و بر سر اقدامات رژیم سنگ اندازی می کنند می گوید : " کاری نکنید که اگر فردا ، امام امری را " امضا " و " تقریر "

دولت صورت می گیرد . شما بهتر میدانید که تاکنون فاجعه آفرینی و اثر نامطلوب آنها برای کشور چقدر بوده است . بعد از آنکه هواپیمایی رن سوده میشود ، از آن با خبر می شویم . وقتی مسلسل های در یکی از خیابانهای لبنان کشوده می شود و صدای آن در همه جا می پیچد ، متوجه قضیه می شویم . پس از کشف مواد منفجره از حجاج ما در جده ، اینجانب از این امر آگاه می شوم . متأسفانه و علیرغم همه ضروریاتی که این حرکات متوجه کشور کرده است ، هنوز نظیر این عملیات می تواند هر لحظه و هر ساعت بنام دولت صورت گیرد .

۲- تجزیه سازمان برنامه و بودجه از نخست وزیر که به دلایل سیاسی صورت گرفت ، از همان اول ضایعه آفرین بوده و ادامه آن نیز در شرایط نو سازی کشور فاجعه بار خواهد بود . متأسفانه این مشکل و مشکل وزرای مشاور ، علیرغم طرح در شورای تشخیص مصلحت ، به تاخیر افکنده شده و حل نگردیده است (هر چند که بهر حال حق شورای تشخیص مصلحت است و اینجانب انتظاری در این خصوص ندارم) .

۳- تجزیه اقتدار مشروع و قانونی دولت و مسئولیت دولت و وزرا ، توسط شوراهای گوناگون .

۴- عدم قدرت اینجانب به پاسخگویی در مقابل اعضا هیات دولت و نمایندگان محترم مجلس در مسوود کارهایی که بدون اطلاع دولت ، ولی بنام دولت ،

کردند ، باز " شوکه " شوید و دامنه ی شک و تردید را به امام و انقلاب هم بکشانید . ۱۰۰۰ هشدار که این خطر در کمین است " (همانجا) حقیقتا که قلمرسان دروغ گوی رژیم این بار حقیقتی را بیان می کنند . " خطر " گسسته شدن بخش دیگری از " حزب الله " از " امام " اینها آن دسته از حزب الهی هائی هستند که نه تغییر پذیرند و نه حاضرند " قربانی " شوند . آینده را اینان تیره و تاریک می بینند و به اشکال مختلف ناراضی خود را از تصمیم امامشان بیان می کنند . اکنون دیگر برای اینان هم خمینی آن موجود غیر قابل تغییر که گوش بر سر " اصول " خودش خواهد ایستاد نیست ، خمینی از پوست خود در آمده است و آشکار و عریان خود را نشان می دهد . برای حفظ حاکمیت خود ، ولایت مطلقه را اعلام می کند و هر اقدامی را برای این امر مجاز می داند ، برای حفظ حاکمیت خود ، و با لاجبار ، جام زهر پذیرش قطننامه را می نوشد و برای حفظ حاکمیت خود ، سرانجام اگر جنبش انقلابی به او امکان ادامه حکومت را دهد ، رابطه با آمریکا را نیز می پذیرد . اما این خواسته ها و نیازها چه از جانب خمینی و باند رفسنجانی و چه از جانب حکومت ریگان ، بطور ساده و بدون عبور از موانع جدی تحقق نخواهد پذیرفت . خمینی که خوردن زهر را شروع کرده است ، باید تا آخر پیش رود . باندهای مخالف رابطه با آمریکا ، بنده توسری خورده " حزب الله " ، از موانع این راه در درون حکومت هستند . در بیرون از حکومت و از زاویه منافع توده های مردم ، مساله اساسی موجودیت حاکمیت خمینی است که سبب جنگ و تخاصم ناپسندانه های جامعه ما بوده است . این حاکمیت خمینی است که باید سرنگون شود و صلح و آزادی در جامعه استقرار یابد . مقاومت انقلابی که همواره مخالف شیوه های تروریستی و صدور ارتجاع در مناسبات بین المللی بوده ، بارها تاکید کرده که با وجود ولایت فقیه و حکومت مذهبی خمینی ، صلح و آزادی در میهن ما مستقر نخواهد شد . مقاومت انقلابی برای تحمیل راه حل انقلابی و دموکراتیک به جریانات استعماری و ارتجاعی ، پیش خواهد رفت .

صورت می گیرد

بخش شدن این نامه و تکذیب مجولانه و متحسک موسوی در رسانه های رژیم در مورد آن ، وجود چنین نامه ای را محرز می کند . موسوی در این موارد ضمن افشاکریهای بسیار در زمینه تروریسم عادراتی رژیم ، " سلوب الاختیار " بودن دولت را در امور مربوطه اعلام و اینکه به بازی گرفته نمی شود اعتراض می نماید . کشاکش بین دو جناح خود را در معاوضاتی نمایندگان مجلسی به هنگام انتخاب وزرای معرفی شده توسط نخست وزیر به صورت بارزی نشان داد .

نمایندگان طرفدار جناح خامنه ای و رفسنجانی با حذف سه وزیر سیاه ، کشاورزی و آموزش و پرورش و عدم رسیدگی به کار سه وزیر دیگر ، نیرو ، جهاد سازندگی و بازرگانی موسوی را وادار به عقب نشینی کرده و در مورد انتخاب محتشمی وزیر کشور کار بحدی بالا گرفت که سرانجام با سفارش خمینی وی با

در صفحه ۶

اخبار و رویدادها....

ارم صفحه ۱۲

يك توده‌نی به خمینی

وقتی مساله صلاحیت وزراء کابینه موسوی در مجلس ارتجاع مطرح بود، به محنتی از طرف کسانی که دست پخت خود او بودند، جمله بسیار شد. وقتی محنتی نتوانست دفاع موثری از خود نماید، مزدوران رژیم به خمینی متوسل شدند و نامه‌ای از او در حمایت از محنتی گرفتند. این نامه که بتاريخ ۲۰ شهریور ۶۷ نگاشته شده توسط سرحدی زاده در مجلس ارتجاع خوانده شد. خمینی در نامه خود چنین گفته است: "..... محنتی ۱۰۰۰ از دوستان قدیمی من و فردی متدین، متمهد و مبارز است که با هوش سیاسی که دارد، همیشه خدمتگزاری خوب برای اسلام و ایران بوده است. مقصود من از نامه به هیئت وزیران آقای محنتی نیست. انشاالله آفایان در مسائلی که می‌خواهند به کسی نسبت دهند، دقت کافی بنمایند و جهات شرعی را نیز مراعات نمایند".

اما بسیاری از مزدوران خمینی در مجلس ارتجاع کوشان به‌کار حرفهای خمینی نبود و در رای گیری محنتی که با اکثریت ضعیفی قبول شد، بیشترین رای مخالف را بخود اختصاص داد. از ۲۴۵ رای موجود ۱۰۶ رای مخالف بوی دادند. علی اکبر طاهایی که یکی از مزدوران خمینی در مجلس ارتجاع است در رابطه با این رای گیری و توده‌نی که به خمینی زده شده در جلسه روز ۲۲ شهریور امسال می‌گوید: "بنوای نمایندگانی که به آن بخش از نظر امام که به وزیر کشور اشاره داشت، عنایت لازم را مبذول نداشتند. آرزوی مغفرت می‌کنم."

بازیهای المپیک

بیست و چهارمین دوره بازیهای المپیک که امسال در ستول پایتخت کره جنوبی برگزار می‌شد بنا به قهرمانی اتحاد شوروی به پایان رسید. این بازیها که بنا به گفته خبرنگارها در عظیم ترین المپاد تاریخ ورزشی جهان و با صرف هزینه‌ای بالغ بر سه میلیارد و یکصد میلیون دلار برگزار می‌شد تحت شدیدترین اقدامات امنیتی افتتاح گردید. در این بازیها شوروی با مجموع ۵۵ مدال طلا و ۳۱ نقره و ۴۶ برنز و آلمان شرقی با ۲۷ طلا، ۳۵ نقره و ۳۰ برنز و آمریکا با ۳۶ طلا و ۳۱ نقره و ۲۷ برنز به ترتیب مقامهای اول تا سوم را به خود اختصاص دادند و کره جنوبی چهارم شد.

تیمهای ورزشی شرکت کننده ایرانی که بعد از دو دوره غیبت به زور سرهم بندی شده و عازم این المپاد شده بودند با بدست آوردن يك مدال نقره در کشتی آزاد که توسط عسگری محمدیان در وزن ۷۷ کیلو گرم بدست آمد، ردمجهل وسوم این بازیها کنترل کردند. ورزشکاران مبین ماکه در بالهای قبل از روی کار آمدن رژیم خمینی از نام و اعتباری بالا بخصوص در رشته‌های کشتی و وزنه برداری برخوردار بودند به من تباهی و ویرانی که این رژیم ضد مردمی برای مپیمان به ارمغان آورده این چنین سرافکنده و بی اعتبار و با قامتی خمیده به مپین مراجعت کردند.

نمایشگاه بین المللی تهران

در پی برپایی نمایشگاه بین المللی تهران که یکی از اقدامات رژیم خمینی برای خروج از انزوا و نزدیکی هر چه بیشتر به کشورهای خارجی صورت گرفت اکثر کشورهای شرکت کننده در این "بازار مکاره" بیشتر از روی کنجکاوی و تنها برای سر در آوردن از این مانور بی جا که متضمن هزینه هنگفتی است با آوردن تعدادی بوستر و عکس - سی اعتمادی خود را از رژیم نشان دادند.

بازرگانان و صاحبان سرمایه‌های خارجی خوبیی می‌دانند که رژیم خمینی از نظر تامین ارز خارجی بسیار در مضیقه است و کار از نظر وجود اختلاف در سطوح بالای مملکتی چنان بالا گرفته که امکان هر گونه بازاری و سرمایه‌گذاری سود آور برای شرکتیهای خارجی را غیر ممکن ساخته است. به گزارش روزنامه فاینشیل تایمز تاجرهای خارجی به دلیل اینکه از اولویتهای رژیم خمینی در دوره بعد از جنگ خیر ندارند و اصولا اعتمادی به رژیم آخوندی برای آنها باقی نمانده از شرکت فعال در این نمایشگاه خودداری کردند. به گزارش مطبوعات خارجی رژیم خمینی در تنگناهای شدید اقتصادی قرار دارد و همگی دریانکه فعلا هیچ پولی برای انعقاد قرارداد در دست رژیم نیست هم عقیده هستند.

فلسطین اشغالی

تظاهرات و اعتصابات گسترده همچنان در سرزمین های اشغالی جریان دارد. سازمان اسرائیل با تکیه بر سلاح گرم همچنان به کشتار فلسطینیان ادامه می‌دهد. مردم در سرزمینهای اشغالی با در دست داشتن "سنگ مقدس" شعله قیام را همچنان روشن نگه داشته‌اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۴ مه‌ماه در شدیدترین رویارویی سربازان اسرائیلی و جوانان فلسطینی در سرزمینهای اشغالی فلسطینی کشته و ۶۷ نفر زخمی شدند. مردم فلسطین در این روز به دعوت رهبری متحد قیام به اعتصاب عمومی گسترده خود ادامه داده و مبارزه خود سر علیه اشغالگران را اوج تازه‌ای بخشیدند. درگیری های پراکنده در ناحیه جنیل بکر يك جوان ۱۹ ساله فلسطینی با کلوله سربازان کشته شد که در مراسم تشییع بیکر وی تظاهرات عظیمی صورت گرفت. بتاريخ ۱۲ مهر درگیریها در سرزمینهای اشغالی منجر به زخمی شدن ۷ نفر گردید. شدیدترین درگیریها در دهکده کفرمان در نزدیکی طولکرم رخ داد همچنین در اردوگاه البریح در نوار غزه و در هبرون (الخلیل) نیز مردم با سنگ به ستونهای ارتشی حمله کردند. رهبری متحد قیام از مردم خواست که در روزهای هشتم و نهم اکتبر در اعتراض به تعطیل مدارس و دبیرستانها و دانشگاههای فلسطینی و نیز بزرگداشت آغاز یازدهمین ماه قیام دست به اعتصاب عمومی بزنند.

سازمان ملل متحد به مقامات اسرائیل در رابطه با گسترش و شدت سرکوب ها اخیرا اعتراض کرد و مقامات اسرائیل نیز با وقاحت به سیاست سرکوب خود و استفاده مداوم از سلاحهای آتشین که آنرا "گلوله‌های پلاستیکی" می‌نامند، تاکید کردند.

تظاهرات در برمه

طی ماه گذشته تظاهرات گسترده‌ای از طرف مردم کشور به میلمونی برمه بر علیه رژیم و مستم تک حزبی این کشور انجام گرفت. حزب برنامه سوسیالیست برمه که بمدت ۲۶ سال تحت رهبری ژنرال "تهوین" بانی نظام تک حزبی برمه قدرت را در دست داشت. اکنون با تظاهرات خشم آگیز مردم روبرو شده است. تظاهر کنندگان خواهان استفسار دمکراسی و دادن آزادی به مردم برای انتخاب نظام سیاسی کشور هستند. به گزارش یونایتد پرس در ۱۹ سپتامبر جاری ژنرال "سانوئاوونک" وزیر دفاع برمه در يك کودتا قدرت را بدست گرفت و سپس از طریق رادیو رانگون اعلام نمود که سازمانی معتقد برقراری نظم و مقررات مملکتی ایجاد خواهد کرد که هدف آن برگزاری انتخابات عمومی و دمکراتیک در يك نظام چند حزبی خواهد بود. هیئت نظامی جدید با تغییر نام کشور از "جمهوری سوسیالیست وحدت برمه" به "جمهوری وحدت برمه" کار خود را شروع کرد. سه دنمال این کودتا دانشجویان که در حکم بیشتران بهت دمکراتیک برمه عمل می‌کنند و مردم رانگون پایتخت برمه و چند شهر بزرگ به خیابانها ریختند و در درگیریها با پلیس حدود ۲۰۰ نفر کشته شدند. بگفته فرانس پرس "اونگ کی" مرد شماره ۲ سابق برمه به‌مراه خانم "اونگ سان سوئنگی" و "نین او" وزیر دفاع سابق که از سخنویان عمده بهت و مدعی پشت سر داشتن نیسی از مردم برمه هستند با تشکیل "اتحادیه ملی وحدت دمکراتیک" آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات آینده بصورت قانونی اعلام نمودند. در حالی که خبرگزاریها از وجود درگیریهای شدید بین مردم و پلیس خبر می‌دهند هیات نظامی حکم به رهبری ژنرال "سانوئاوونک" ۵۹ ساله کنترل بیشتر مواضع کشور را در دست دارند.

آخوندها و حلال و حرام بودن بازی شطرنج

رژیم مفلوک خمینی محصور در گردابهای مهیب انبساط ناچار به پرداخت بهای گزاف از جیب راس جنایتکار خود گردیده است. در حالی که رژیم می‌رود تا آخرین روزهای ننگین حکومتش را بگذراند، درازای شکست خفت باری که نصیبش گردیده ناچار به جواب کوشی به سوالات گاه و بیگاه مزدورانش می‌شود. به تازگی آخوند قدیری که یکی از آخوندهای مفسر و حوزة علمیه قم می‌باشد با را از گلیم خود درازتر کرده و نسبت به "فتوهای" خمینی در مورد حلال بودن بازی با شطرنج و حلال بودن خرید و فروش آلات موسیقی اظهار شک و تردید می‌نماید. وی با استناد به آیات و روایات مختلف این "فتواها" را بهیچ می‌گیرد و اظهار می‌دارد کی می‌گوید بازی با شطرنج حلال است؟ جلد چهارم که انتشار مجبور شده کتبا جواب بدهد و آنها به آخوندکی دست سپورده خودش، ناچار ضمن احواله وی به روایات "آیت الله" دیگری از وی می‌خواهد که حرف نزنند و اطاعت کنند. شهاد چهارم به شاگردش گوشزد می‌کند که: "البته در این زمینه‌ها مسائل زیادی است که حال و وقت من اجازه تعقیب آنها را ندارد. از جنابعالی که فسرده

در صفحه ۴

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۳

تحصیل کرده و زحمت کشیده ای می باشد توقع نبود که اینگونه برداشت کرده و آنرا به اسلام نسبت دهد ۰۰۰۰ شما را نصیحت پدرا نه می کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تاثیر مقدس نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید ۰۰۰ بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید تمدن جدید به کلی از بین باید برود و مردم کوخ نشین بوده و با برای همیشه در صحراها زندگی نمایند ۰"

با نگاهی به اظهارات جلال جماران عمق دورویی و شیادی این جغد پیر عیان تر می گردد ۰ وی اکنون که مورد طعن و سخره پیروان دیروز خود قرار گرفته از موقع دفاع از " تمدن " و " پیشرفت های بشری " در پی یافتن راهی برای به کرسی نشاندن حرفهای خود می باشد ۰

تظاهرات در الجزایر

کشور الجزایر در دو هفته گذشته شاهد تظاهرات و اعتراضات بسیار گسترده ای از طرف مردم برعلیه رژیم خود بود ۰ تظاهرات که در ابتدا توسط نوجوانان و جوانان انجام می شد در اعتراض به کمبودهای اقتصادی که ناشی از سیاستهای صرفه جویانه دولت الجزایر در بعضی نقاط این کشور بود ۰ صورت گرفت ۰ با دخالت ارتش و پلیس الجزایر تظاهرات به خشونت انجامید و از هر دو طرف تعدادی کشته شدند ۰ به گزارش خبرنگاری فرانسه از الجزیره این شورشها خسارات جانی زیادی به همراه داشته است ۰ تظاهرات در روز سه شنبه شب ۴ اکتبر از محله پیر جمعیت باب التوت در پایتخت آغاز گردید و در روز بعد در محلات دیگری از جمله دیدوش - مراد - مرکز شهر تظاهر کنندگان با حمله به سوسات دولتی و واژگون کردن ماشینها و خودروها و شعب شرکتیهای هواپیمایی با نیروهای انتظامی درگیر شدند ۰ بعد از ظهر پنجشنبه ۶ اکتبر دولت به دستور شانلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر حکومت نظامی اعلام کرد ۰ آتش سوزیهای که از دو روز قبل در اماکن عمومی و بازرگانی بویژه در مرکز آموزش و پرورش در پایتخت و حومه آن شروع شده بود همچنان ادامه داشت و درگیریهای پراکنده بین مردم و نیروهای ارتش دیده می شد ۰ شدت درگیریها و کشته های مردم چنان با لا بود که فرماندهی نظامی مسئول حفظ نظم در پایتخت به وجود تلفات جانی بسیار اعتراف کرد ۰ در اینحال به گفته خبرنگاری الجزایر بیش از نهمصد تن بازداشت شده اند ۰ غیر عمری شدن درگیریها در سراسر کشور توسط احمد بن بلا نخستین رئیس جمهور الجزایر که بعد از انقلاب الجزایر توسط هواری بومدین رئیس جمهور سابق الجزایر و با کمک کودتا به زیر کشیده شد به خبرنگارها داده شد ۰

کلیه مدارس و دانشگاهها در الجزایر بسته شد و در اعتراض به این کشتار در شهر " اوران " دومین شهر بزرگ الجزایر تظاهرات شدیدی آغاز گردید ۰ در روز شنبه ۸ اکتبر ارتش در حومه الجزایر در شهر " کوبه " با آتش کشیدن به روی تظاهر کنندگان منجر

تغییرات جدید در حزب کمونیست شوروی

بدنبال اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که سه ریاست رفیق میخائیل گورباچف در تاریخ ۸ سپتامبر برابر با آخر سپتامبر ۸۸ تشکیل شد ۰ تغییراتی در سطوح بالای حزبی و سلکشی صورت گرفت که در این تغییرات آندره گرومیکو رئیس جمهوری شوروی از مقام خود استعفا داد ۰ وی در گفتاری دلیل استعفای خود را کمپولت سن عنوان کرد و حمایت خود را از میخائیل گورباچف و تمامی اقدام های حزب و کمیته مرکزی که بمنظور اجرای کامل تصمیمهای کنگره بیست و هفتم حزب و کنفرانس نوزدهم حزب کمونیست صورت می گیرد اعلام نمود ۰ چهار تن از اعضای دفتر سیاسی به اسامی میخائیل سولونتسک و پیوتر دمیرچف و ولادیمیر دولگلیخ و آناتولی دوسر ۰ یمن نیز از سمت خود استعفا دادند ۰ خبر استعفای گرومیکو و چهار تن از اعضای دفتر سیاسی توسط " وادیم مدوف " دبیر و سخنگوی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که بنازگی به جای لیگورلیگاجف به ریاست کمیسیون امور ایدئولوژیک انتخاب شد اعلام گردید ۰ وی خاطر نشان کرد که بازنگشتگی گرومیکو و استعفا چهار عضو دیگر به درخواست خود آنان صورت گرفته است ۰

فرهنگی اجلاس " لیگورلیگاجف " به سمت ریاست کمیسیون دانشی کمیته مرکزی در امور کشاورزی به کشته شدن ۶۰ تن گردید ۰ شانلی بن محمد با ظاهر شدن بر روی تلویزیون ۰ به مردم قول داد که اصلاحات اقتصادی جدیدی صورت دهد مشروط بر اینکه مردم آرایش خود را حفظ کنند و به خانههای خود برگردند ۰ " نهضت مردمی برای احیای الجزایر " که بنازگی خود را معرفی کرده است و از ترکیب آن اطلاعاتی در دست نیست ضمن اعلام اینکه تا کنون ۲۵۶ تن کشته و ۶۰۰ تن مجروح شده اند از دولت خواست به قتل و عام پایان دهد ۰ دوشنبه ۱۰ اکتبر درگیری تازه ای در مرکز الجزیره صورت گرفت که در آن بنازگی به گفته شاهدان عینی ۲۵ تا ۳۰ نفر کشته شدند ۰

تبلیغات رسوا

رژیم خونخوار خمینی در نهایت بیشرمی و زذالت در زمانی که دسته دسته زندانیان سیاسی را در زندانها بدون کوچکترین فرصت و از روی درنده خوئی به قتل می رساند ۰ به نازگی برای دادن سواد خام تبلیغاتی به ایادی قلم به مزدش در خارج از کشور شایعه غفوی زندانیان سیاسی را مطرح کرده است ۰ ریشپری وزیر اطلاعات رژیم در سنجید در مصاحبه ای با خبرنگار رادیو رژیم اعلام کرد که : " در جلسه شورای تأمین استان کردستان مساله غفوی زندانیان گروههایی که اقدام مسلحانه برعلیه رژیم انجام نداده اند مطرح شد و این شورا از آن استقبال کرد و پس از مشورت با مسئولان سیاسی وزارت کارشناسی و وزارت اطلاعات و مسئولان شورای تأمین کشور و پس از تأیید مقامات ۰ زیربط اجرا خواهد شد " ۰

در اینکه این ترغیبات آنها هم از طرف رژیم خمینی هیچکس را در سراسر جهان ذره ای دچار شک در بسی

و ولادیمیر چبریکوف که یکی از منتقدین برنامه اصلاحات گورباچف است به دبیری کمیته مرکزی ریاست کمیسیون تازه حقوقی انتخاب شد ۰ وی که رئیس " لک - که - ب " پلیس امنیتی شوروی بود ۰ جای خود را به ولادیمیر کربوچکوف رئیس جدید امنیتی سازمان داد ۰ اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی اسامی اعضای اصلی ۰ دفتر سیاسی را با ذکر تاریخ انتخاب اعلام کرد که به ترتیب عبارتند از :

۱- میخائیل گورباچف (بیست و یکم اکتبر ۱۹۸۰)
ویکتور چبریکوف (۲۳ آوریل ۸۵) - وادیم مدوف (۲۰ سپتامبر ۸۸) - لیگورلیگاجف (۲۳ آوریل ۸۵)
ویکتور نیکیفوف (۲۶ ژوئن ۸۷) - نیکلای ریشکوف (بیست و سوم آوریل ۸۵) - ولادیمیر شچریبتسکی (۹ آوریل ۷۱) - ادوارد شواردناتزه (۱ ژوئیه ۸۵)
ویتالی وروتینکوف (۲۶ دسامبر ۸۲) - لوژیک (۶ مارس ۸۶) - الکساندر باکولف (۲۸ ژانویه ۸۷) - نیکلای اسلیونکف (۶ مارس ۸۶) ۰

و اعضای علی البدل عبارتند از :

الکساندر امبرکیوکوا - بوری ماسلوف - کشورگی رازو - سوفسکی - بوری سولودف - نیکلای تالیزین - الکساندر رولاف - دمتری یازوف ۰

اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی همچنین مسئولیت ریاست جمهوری را به میخائیل گورباچف واگذار کرد ۰ گورباچف بلافاصله " نیکلای تالیزین " مسئول کمیته دولتی برای برنامه ریزی اقتصادی را برکنار کرد و به الکساندر ابریکووا (تنها عضو زن دفتر سیاسی) مسئولیت سیاسی بیشتری واگذار نمود ۰

اساس بودن آن نخواهد کرد جای تردید نیست و شکی نیست که رژیم از این پس نیز به کشتار و سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی ادامه خواهد داد ۰

در رابطه با این امر آقای سعید رجوی مسئول شورای ملی مقاومت مطالبی اظهار داشته و تأکید کرد که " در شرایطی که اعضای و هواداران مقاومت ایران هر روز دسته دسته در شهرهای مختلف کشور توسط دژخیمان رژیم خمینی به جوخه های اعدام سپرده می شوند ۰ این مطلب هیچ پایه و اساس ندارد " ۰

طرح اعدام سپاه و ارتش

یکی از معضلات رژیم خمینی که هر از چندگاهی در حد شده چرکینی سرزاد می کند و از بوی تعفن نام جهان به عمق اختلافات و کشمکشهای درونی ۰ جای حاکم بر ایران با خبر می شوند ۰ مسئله طرح ۰ - سپاه و ارتش رژیم است که تا کنون بارها از زبان ۰ - - از آن اصلی رژیم خمینی بیان شده و مرتب به تعمیق افتاده است ۰ اینبار بعد از انتخاب رئیسان به سمت جانشینی فرمانده کل قوا در ماه خرداد گذشته با موافقت خمینی و برای یکی کردن امکانات جنگی و نظامی رژیم و کاستن از تضادهای حاصل از وجود دو ارگان سرکوبگر نظامی این طرح با قیام نوریت در تاریخ ۱۵ شهریور در مجلس مطرح شد ولی بلافاصله و در همان جلسه فوریت طرح رد شد و با اوج گیری درگیریها و افتتاحات دیگر و افشاگریهای سران سپاه برعلیه مقامات بالای رژیم باز هم رسیدگی به این طرح به مدت ۶ ماه به تعویق افتاد ۰ مروج سخنان ۰ نیروهای سپاه و " حزب الله " یکی از عوامل اصلی مسکوت ماندن این طرح می باشد ۰

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -

پیرو برنامه (هویت)

درباره تبلیغات رادیویی سراسر کذب طرفداران "کنگره هشتم"



کار که در آن حرکت همراه پیشمرگان رهبری انقلابی حزب دمکرات بودند نیز شاهد تحمیل درگیری و شروع آن از طرف نیروهای طرفدار کنگره هشتم حزب دمکرات بوده‌اند.

۲- گفتار رادیویی طرفداران کنگره هشتم چنین وانمود می‌نماید که گویا پیشمرگان سازمان ما نیز در آن درگیری شرکت داشته‌اند، توجه کنید: "آیا میل دارند که به آنها بگوئیم آن چند به اصطلاح چریکی که همچون پشتیبان و محرک به همراهشان بودند چند خشاب را در سینه‌ی پیشمرگان حزب خالی کرده‌اند" (نقل از گفتار رادیویی)

بدینوسیله کمیته کردستان سازمان ما این ادعای سراسر دروغ رهبری طرفدار کنگره هشتم را تکذیب می‌نماید. پیشمرگان سازمان ما به هیچوجه در آن درگیری تحمیلی به نیروهای رهبری انقلابی شرکت نداشته‌اند و حتی یک تیر هوایی نیز شلیک نکرده‌اند. ما معتقدیم که رهبری طرفدار کنگره هشتم اکنون که در ادامه سیاست مذاکره جویی، مصادفات با محافل امپریالیستی، شدت با نیروهای انقلابی و مترقی و شعلهور نگه داشتن و گسترش جنگ داخلی در کردستان، بفرستی در میان نیروهای انقلابی و مترقی کاملاً شقوق شده است و در مقابل محکوم کردن سیاستهای راست زوال و سازشکارانه و تسلیم طلبانه‌ی آنان از جانب رهبری انقلابی حزب دمکرات موجی از حمایت و تشویق نیروهای انقلابی و مترقی ایرانی را بدنبال داشته است، با این تبلیغات

دروغین و انحرافی می‌کوشد تا به هر شکلی که امکان پذیر است مانع ادامه و گسترش حمایت نیروهای انقلابی و مترقی از رهبری انقلابی گردد. تبلیغات رادیویی آنان علیه سازمان ما نیز به این قصد صورت گرفته و می‌گوید: اما زهی خیال باطل، کمیته کردستان سازمان ما نه تنها این تبلیغات واهی را به هیچ می‌گیرد بلکه بر سیاست اتحاد و همکاری مشترک با حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی برای سرنگونی رژیم ضد خلقی خمینی و ضربه زدن به نیروهای مزدور این رژیم در کردستان تاکید می‌نماید.

۳- نویسندگان گفتار رادیویی که به خوبی می‌دانند سیاستهای جنگ افروزان آنان از طرف روبرو شده و خواهد شد، با مظلوم نمایی میکوشند به هر ترتیبی شده نیروهای انقلابی و مترقی را جنگ طلب جلوه دانه و خود را نیز بی تقصیر، صلح طلب و خیرخواه مردم کردستان معرفی نمایند، از اینرو در ادامه گفتار رادیویی با بیشرمی می‌گویند: "از مجاهدین رجوی که بطور کلی منکر هرگونه حقوق ملی خلق کرد و دیگر خلقهای ایران است سلاح دریافت می‌کنند، یک گروه چند نفری به اصطلاح چریک جیره خوار مجاهدین را با خود برمی‌دارند و از فلان سازمان دیگر به اصطلاح چریک هم افراد مسلح عازمه می‌گیرند که بروند و جنگی را به پیشمرگان حزب دمکرات تحمیل کنند و فرزندان خلق

در روزهای آخر شهریور ماه اسام چند دسته از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی جهت ضربه زدن به نیروهای مزدور رژیم خمینی عازم مناطق داخلی کردستان بودند که مناسفانه در منطقه مرزی قندیل از طرف نیروهای حزب دمکرات طرفدار کنگره هشتم با مانع روبرو شده و جنگ خونینی به آنان تحمیل شد.

بنا بر مذاکرات و توافقات فی مابین کمیته کردستان سازمان ما و دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی، یک دسته از پیشمرگان رزمدهی سازمان ما نیز قرار بود در این جوله سیاسی - نظامی شرکت داشته باشند که به علت شروع درگیری، قبل از دسترسی به کردستان ایران به مقرهای خود بازگشتند. رادیویی حزب دمکرات - پیرو کنگره هشتم طی گفتاری که در روزهای ۱۲ و ۱۳ سپتامبر بخش گردید ضمن فحاشی به اکثر نیروهای انقلابی و مترقی ایرانی و از جمله سازمان ما، به قلب واقعیت پرداخته و با تشبیه به دروغ و نیرنگ و ربا کوشش کرده است از زیر بار مسئولیت تحمیل جنگ داخلی در کردستان ایران به دو نیروی مهم این جنبش متحمله رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران، شانه خالی نماید و دیگران را مقصر جلوه دهد. آنچنانکه پیداست رهبری طرفدار کنگره هشتم در ادامه سیاست مذاکره جویی خود، تقلیبند از شیوه‌های تبلیغات آخوندی را نیز تمرین می‌نماید. والحق که در این مورد به موفقتهای شایان توجهی دست یافته‌اند.

رهبری طرفدار کنگره هشتم که از ماهها قبل رهبری انقلابی را به جنگ و درگیری تهدید می‌نماید، به اعتراف خود یکی از اعضای این حزب را ناجوانسردانه اعدام نموده، ۶۰ تن از نیروهای آنان را خلع سلاح کرده و در ادامه در روزهای آخر شهریور ماه جنگ خونینی را به آنان تحمیل می‌نمایند، اکنون با مظلوم نمایی قضیه را کاملاً عکس نموده و در کمال پررویی می‌گویند: "وضع منحرفین جانی مجاهد اکنون به شیوه‌ایست که برای اینکه خود را مطرح نمایند و نامی از آنها برده شود به هر وسیله و کاری متوسل می‌شوند که نمونه آن تحمیل درگیری مسلحانه به پیشمرگان حزب و عمل جنایتکارانه‌ی به شهادت رساندن دو پیشمرگ از نیروی گیارنگ و قندیل...". (نقل از گفتار رادیویی)

کمیته کردستان سازمان ما در رابطه با تبلیغات سراسر کذب و دروغ رهبری طرفدار کنگره هشتم توضیحات زیر را ضروری می‌داند:

۱- یک دسته از پیشمرگان سازمان ما ناظر شروع و تداوم درگیری مسلحانه ۲۶ شهریور از جانب نیروهای طرفدار کنگره هشتم با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی بوده و از اینرو اعلام می‌نمائیم مسئولیت تام و تمام این درگیری خونین بر عهده رهبری طرفدار کنگره هشتم می‌باشد. شما چند نفر از پیشمرگان سازمان آزاد

کرد را بکشند و به کشتن دهند، براسنی چه نسنگ و شرساری برای کسی که خود را فرزند خلق درمجموع کرد می‌داند و از این بیشتر چه خیانت و جاشگری از این بزرگتر؟ زهی وقاحت! نوده‌های مردم کردستان و فرزندان دلیر پیشمرگ آن امروزه به خوبی واقفند که چه گسائی فرزندان خلق کرد را می‌کشند و به کشتن می‌دهند، و این مظلوم نمایی، آخوندی نمی‌تواند ذره‌ای از بار مسئولیت سنگین تحمیل جنگ داخلی به نیروهای انقلابی و مترقی کم نماید. از قدیم گفته‌اند که درونگو فراموشکارست، ظاهراً رهبری طرفدار کنگره هشتم خود را به فراموشی زده و از یاد برده است از همین رادیو در تاریخ ۶۷/۲/۲ رهبری انقلابی را به درگیری نظامی تهدید می‌کرد و می‌گفت: "حزب ما حق تردید نباید خود می‌داند که از فعالیت گروه منحرف تحت عنوان حزب دمکرات کردستان ایران در داخل کردستان جلوگیری کند و از هم اکنون نسبت به هرگونه رویدادی که در این رابطه پیش آید، منحرفین را مسئول می‌شناسد". بنابراین از مدتها پیش روشن بود که طرفداران کنگره هشتم مترصد چنین رویداد ناسف باری بوده‌اند و بالاخره بعد از چند ماه اعمال کردند. در آخر جا دارد از نویسندگان گفتار رادیویی بیوسیم که شما در ازای ادامه و گسترش سیاستهای تسلیم طلبانه در برابر رژیم خمینی و جنگ افزوری با نیروهای مترقی "جیره خوار" چه کسان و کانتالهایی هستید؟

خرجه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی
پیروز باد مبارزه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
کمیته کردستان - ۱۵ مهر ۶۷

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۲

رفسنجانی در دیدار با جمعی از اعضای ارگانهای سرکوبگر کارگری (شوراهای مرکزی انجمن‌ها و شوراهای اسلامی) به مساله جذب متخصص‌ها اشاره نمود. رفسنجانی در این دیدار گفت: "ما متخصصانی در داخل و حتی در خارج داریم، ما باید کمی محیط را برای آنها مناسب بکنیم. آن‌ها از جنگ می‌ترسند، مقداری از جو انقلاب وحشت داشتند. بالاخره این افراد ایرانی هستند و به هر کجا که بروند به خوبی ایران نمی‌توانند زندگی بکنند. ما هم نباید از خودمان زحمتی و تلخی نشان بدهیم که این نیروهایی که مال این کشور هستند نتوانند به اینجا بیایند و در محیط اسلام و انقلاب زندگی کنند". این موضع رفسنجانی تلاشی است که وی در مقابل نیروهای سرکوبگر "حزب الله" برای نشان دادن چهره به اصطلاح جدیدی از رژیم است.

انتشار دو نشریه جدید حزب کمونیست شوروی

به گزارش تاس خبرگزاری رسمی شوروی، در ادامه روند بازسازی سیاسی - اجتماعی، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دستور انتشار دو نشریه بنامهای "اخبار کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی" و "اخبار دولت" را برای اطلاع عموم از اخبار و فعالیت‌های کمیته مرکزی و جزئیات عملکرد دولت شوروی صادر کرد. در صفحه ۸

گرمای باد ۱۳ آبان روز خونین دانش آموز



در تاریخ مبارزات دانش آموزان و دانشجویان کشورمان ایران بر علیه رژیمهای پادشاهی و خمینی روز ۱۳ آبان ۵۷ یکی از برجسته ترین روزهای تاریخ این جنبش می باشد. در این روز دانش آموزان کشورمان که از جور و ستم رژیم شاهنشاهی در قلع و قمع آزادیهای سیاسی و اجتماعی و گسترش روز افزون و مبارک کبیخته سرکوب توده ها توسط پسران و ابادهی مزدور شاه در تمام نقاط کشور به جان آمده بودند، تظاهرات گسترده و خشمگینانه ای را در خیابانهای تهران بخصوص در اطراف دانشگاه تهران بر راه انداختند. مزدوران تا ندان مسلح رژیم شاه در هراس از اوج گیری این تظاهرات بیرحمانه و بسودن درنگ در خیابانهای اطراف دانشگاه بروی تظاهر کنندگان آتش گشودند و دهها تن از دانش آموزان و دانشجویان را به خاک انداختند.

دانشجویان در حال خروج از درب دانشگاه تهران در زیر آتش سلاجهای مزدوران

این رژیم رفته و با ارتقا سطح مبارزاتی با پیوستن به صفوف تشکلات و سازمانهای انقلابی، جنبش عظیمی را بر علیه خمینی و ابادهی به پیش برده اند. دانش آموزان و دانشجویان انقلابی با کمانباز گردن نیروی خود در مسیر اصلی مبارزه بر علیه رژیم خمینی یعنی مبارزه مسلحانه انقلابی آرمانهای این روز بزرگ را گرامی داشته و نوید ایرانی آزادی را بشارت می دهند.

روز بزرگ خفقان بی سابقه ای بر فضای محیط ۵۰ ساله آموزشی میهنمان مستولی گشته. دانش آموزان و دانشجویان با پشت سر گذاشتن تجربه شکستها و پیروزیهای فراوان به نیروی عظیمی مبدل شده اند که پشتوانه مطمئن و آگاهی برای مقاومت انقلابی مسلحانه محسوب میشوند.

رژیم خمینی برای جلوگیری از تکرار ۱۳ آبانها از روز غصب قدرت در ایران با تمامی طرفهای ضد انقلابی و شیادانه خود به مقابله با جنبش های اعتراضی دانش آموزان و دانشجویان پرداخت و هر گاه لازم شد از بکار بردن آتش سلاجهای مزدورانش در خاموش کردن صدای حق طلبانه آنها درنگ نکرد. افزایش خفقان در محیط های آموزشی و بدین کردن دانش آموزان نسبت به همدیگر و اعداماتی از قبیل شستوشو مغزی، تجاوزات و اوار کردن آنها به جاسوسی و ایجاد تلافی در بین اعضای خانواده ها و تعقیب و پیگردهای پلیسی شدید و سرکوبی دستگیری و زندانی کردن آنها از روشهای معمول و روزمره این رژیم ضد مردمی است.

در جبهه انقلاب دانش آموزان و دانشجویان به سهم خود در مواقع لازم با مسیح و ندادن لازم به جنگ

در این روز جنبش اوج دیگری یافت و مردم بجان آمده با حمل اجساد کشته شدگان بروی دست و به گسردن در آوردن آن در خیابانهای شهر بر علیه شاه فرساده انتقام سردا بیدند. بر اثر این گشتار رژیم دهنش شاه به دستور ازبایان امیرالیهستش حکومت نظامی اژهاری را بر سر کار آورد تا با آویزان شدن به آتش سلاح چند روز دیگری دوام بیاورد. ولی همچنان که فرمان تاریخ است دیکتاتور جبار پایانش فرا رسیده بود و بدست خلق به زباله دان تاریخ سپرده شد. اکنون که ۱۰ سال از آن تاریخ می گذرد جنبش دانش آموزان و دانشجویان کشورمان همچنان در نبرد با رژیم پسران و وحشی تر و خونخوارتر از سلف خود یعنی رژیم جلاذ خمینی پیر می برد و هر روز بزرگتری در دیگری به این حماسه های درخشان در صفوف مقاومت مسلحانه انقلابی بر علیه دیکتاتور خون آشام جباران ورق می خورد.

تمایل و جذب هر چه بیشتر دانشجویان و دانش آموزان انقلابی میهنمان به صفوف مقاومت مسلحانه و انقلابی در راستای آرمانهای ۱۳ آبان بوده و در این راستا جباران حاکم بر کشورمان از آتش انقلابی فرزندان خلق در آستان نیستند. در همین سالگرد این

نامه محرمانه موسوی به خامنه ای

اکثریت بسیار ضعیفی انتخاب شد. تضادهای مذکور گماکان ادا شده و جناحهای رقیب همچنان در محاصره ها و سخنرانیهای خود با رعایت احتیاط از برای گشتن ختم خمینی نسبت به خود، حمله به همدیگر را ادا می دهند. نیاز هر دو جناح به هم باعث گردیده که خامنه ای که یکنال پیش در حذف موسوی بود و در این راه ختم خمینی را بخود خریده بود اینبار شدت با استعفا و مخالفت کند. هر دو جناح بخوشی می دانند کوچکترین تغییری در راس هرم منجر به از هم پاشیده شدن کل نظام می گردد. ولی همانطور که قاعده کلی هر رژیم استراتژی و سرکوبگر می باشد، سرنوشت محکوم این رژیم از هم گسیختگی و سرنگونی و انهدام است.

صلح و رشکستگی و شکست سیاسی رژیم

ایران و حاکمیت آن ندارد، بلکه آغاز یکی از بزرگترین فاجعه های تاریخ کشور ما خواهد بود. بیش از ۱۸ ماه از تاریخ تجاوز گسترده رژیم عراق سپری شد تا ایران توانست بخشهای عمده اراضی اشغال شده خود را آزاد نماید. طی این مدت نتایج جنگ تجاوزکارانه عراق برای ما هزاران تن شهید و زخمی، ۲ میلیون آواره، تعطیل کشت در ۱۰ میلیون هکتار اراضی کشاورزی، اسارت هزاران نظامی و حدود ۷۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی و میلیاردها دلار اوراق باقی از " هزینه فرست" و زیانهای جبران ناپذیر به سبانی هنری و نم و اندوه فراوان ملی و عمومی بوده است.

۰۰۰ خسارات اقتصادی و معنوی و تلفات انسانی که ایران برای پس راندن ارتش عراق از اراضی اشغالی متحمل شد، آنچنان گسترده و جبران ناپذیر بود که یک کشور تنها در ازای کتب استقلال و تمامیت ارضی و کسب حق حاکمیت ملی از یک قدرت امپریالیستی میتواند به ثقیل آن رضا دهد. پس از آنکه عراق از عمده ترین اراضی متفرقه ایران رانده شد، حقوقی

و تضعیف ایران و متزلزل و ثبات آن در عرصه جهانی و منطقه ای می باشد. آنها مطالبه پذیرش صلح با رژیم عراق مبهومی جز مطالبه اعلان ورشکستگی استراتژی جنگی جمهوری اسلامی طی ۶ سال گذشته و در حقیقت معنایی جز درخواست سرنگونی نظام موجود را دارا می باشد. آن دسته از کشورها و نیروهای سیاسی که ایران را دعوت به سازش با رژیم عراق می نمایند. اساسا در نظر دارند تا با شکست کشاندن استراتژی جنگی ایران زمینه را برای سقوط جمهوری اسلامی فراهم نمایند.

عمده ترین بخشهای مقاله روزنامه کیهان، مطالبی بود که در بالا چاپ شد. بدین ترتیب روشن است که وقتی روزنامه وابسته به دفتر خمینی از صلح بعنوان " ورشکستگی استراتژی جنگی" رژیم و فراهم شدن " زمینه سقوط جمهوری اسلامی" صحبت می کند، وقتی از صلح بعنوان " بزرگترین فاجعه های تاریخ کشور" صحبت می کند، وقتی جنگ را " بصورت یک ضرورت ایدئولوژیک" می داند و بالاخره وقتی ادا می کند که با همه خسارات سادی و معنوی لازم میدانند پس قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم، چیزی جز افلاس و درماندگی کامل رژیم در برنامه های جنگی اش نبوده است.

محرز برای کشور ما پدید آمد که ستانسن و تصفیه آن بصورت یک ضرورت ایدئولوژیک، انقلابی و ملی در آمد که جبران خسارت اقتصادی و مالی با محاسبه " هزینه فرست" از اجزاء لایعزای آن بود، و ایران ناچار می بایست بر تادیه این حق خود پانصداری نماید. ایران در بهار ۱۳۶۱ موفق شد تا عراق را از بخشهای اساسی اراضی اشغالی به عقب رانده و از آن پس تلاشی گران و پر بها را با هدف تحصیل حقوقی شده خود در چهارچوب طرحی یک استراتژی جنگی خاصی آغاز نمود. بهای این تلاشی که نزدیک به ۶ سال است دنبال میشود، تقریبا چهار برابر خسارت اقتصادی، مالی، انسانی و معنوی است که مصروف بیرون راندن قوای عراق از اراضی متصرفه ایران گردید. ۰۰۰ هسته اصلی استراتژی جنگی ایران، از اوایل سال ۶۱ تا کنون حذف فاجعه رژیم عراق بوده. ۰۰ نتایج چنین سازشی (بنظرم صلح است) برای دو کشور ورود به دورانی از " سابقه تسلیحاتی" زبان بار و پر هزینه، تشنج زمین مری، شکلیابسی و دستگیری برنامه ریزی اقتصادی کشور بسمت اقتصاد تسلیحاتی، ظهور و رشد گرایش دست راستی و فاشیستی در میان جوانان و نظامیانی که فرور ملی آنها ناپذیر گرفته شده، منزوی شدن

پاسخ سوم: موانع بزرگ بر سر راه شورا چه بوده؟ و آیا شورا توانسته است بر آنها فائق آید یا نه؟

به نقل از نشریه راه آزادی شماره ۱۲ - ویژه پنجمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت - تیرماه ۶۵

توضیح: در رابطه با مهمترین مسائل مقاومت انقلابی در شرایط کنونی و چگونگی توده‌های شدن مبارزه مسلحانه، پاسخ رفیق مهدی سامع به سوال سوم نشریه راه آزادی از نظر روشن شدن ذهن فعالین جنبش انقلابی و خوانندگان نبرد خلق با نقطه نظرات سازمان ما را ضروری میدانیم.

شورا برای برداشتن موانع از مقابل راه خروج کوششهای قابل توجه و به نسبت اشدانش غیر قابل مقایسه انجام داده است. اما اگر رژیم خمینی را نیز یکی از موانع بزرگ و بزرگترین مانع در نظر بگیریم، ستاسفانه باید گفت نه البته من نمیدانم شما وقتی از موانع سوال می‌کنید رژیم خمینی هم مورد نظرتان هست یا نه. ولی من عمد دارم که روی این مسأله حرف بزنم. ببینید از مدتها قبل تمامی شرایط عینی برای سرنگونی رژیم خمینی فراهم است. این مسأله آنقدر عیان است که حتی نیروهای عمیقاً اپورتونیست رفرمیست و بی عملی مثل حزب توده که همواره فرسنگها عقب تر از شرایط عینی جامعه بوده‌اند، بدان اعتراف می‌کنند. هیچگاه بحران اقتصادی در جامعه ما به این اندازه عمیق نبوده، در هیچ مقطعی در تاریخ قرن اخیر توده‌های مردم در زمینه‌های مختلف با رژیم حاکم تا این اندازه در تضاد نبوده‌اند، هیچگاه حکام مرتجع ایران تا این اندازه در حوزه‌های مختلف بر مردم فشار وارد نکرده‌اند و متقابلاً اگر درجه سرکوب شدید را در نظر بگیریم، هیچگاه مردم ایران تا این اندازه حرکت از خود نشان نداده‌اند. بسیاری از جنبشهای مردمی ایران با اولین یورش سرکوب به رکورد کشیده شده‌اند، سال ۲۲ را بخاطر بیابورسد، در حالیکه از نظر اقتصادی قبل و بعد از سرداد ۲۲ هیچ تغییری حاصل نشد، اما با اولین یورشها، آن جنبش عظیم مردمی به رکود - مدخل گشت - البته در اینجا عامل تعیین کننده نیروی پیشتان است. ولی نیروی پیشتان باید به خود و مردم توضیح دهد که علیرغم همه این واقعیتها، چرا رژیم خمینی سرنگون نشده است؟ و چگونه رژیم خمینی سرنگون میشود؟ وقتی من این حرف را می‌زنم البته با آنان که وقتی مجاهدین مثلا در شرایط سال ۶۰ قرار دارند به آنها امید می‌دهند و وقتی جنبش طولانی میشود با "فهر" می‌کنند و یا تق می‌زنند و یا به آنها جنگ می‌زنند، مرزبندی روشن دارم. من به جنبش مقاومت کاملاً امیدوارم و میدانم مسأله ایران بوسیله این نیرو حل میشود. ولی این ناممکن نیست که این سوال را، که چرا رژیم خمینی سرنگون نشده؟ مطرح نکنم. آیا شرایط عینی وجود ندارد؟ بطورم وجود دارد و بسیار هم رشد کرده است. آیا مردم ناراضی نیستند و جانان به لب نیامده؟ بطورم بسیار هم ناراضی هستند. آیا مردم ناراضی تسلیم شده و به قضا و قدر تن داده‌اند؟ به نظرم نه. زیرا در اینصورت اینهمه نیروهای رزمنده از کجا پدیدایشان می‌شود، نیروی رزمنده و انقلابی، (تخم) شمر نیست که بپاشید روی زمین و چند ماه بعد، از هر تخم چندین تخم برداشت کنید. این همه کشتار و زندان هم در دوران تسلیم معنی

نمیدهد. واقعا مگر زمان شاه و در دوره‌هایی که در جامعه رکود بود، ما چقدر زندانی سیاسی داشتیم و اکنون چقدر. بنابراین اگر شرایط عینی هست، اگر مردم ناراضی هستند و تسلیم قضا و قدر هم نشده‌اند، پس مسأله در کجاست؟ در حوزه شرایط ذهنی هم مسأله به همین ترتیب است. به نظرم مشکل اساسی را باید در "نیرو" جستجو کرد. با توضیحاتی که خواهیم داد روشن می‌شود که جنبش مقاومت با کمبود "نیرو" روبرو نیست. همانطور که در مورد شرایط عینی هم گفتیم، بلکه مسأله سازماندهی نیرو برای درهم شکستن "نیرو"ی رژیم است. ببینید رژیم خمینی رژیمی است که مجبور است تا به آخر جنگ خود سران رژیم هم می‌دانند که از نظر تاریخی نابود شده‌اند، حتی امیدهایی که بعضی رژیمهای ارجحی - بورژوازی دارند را بخود راه نمی‌دهد، چه به لحاظ طبقاتی، چه به لحاظ خصلت ایدئولوژیک و چه به لحاظ ماهیت قرون وسطایی و خصلت غیر قابل ترمیم و رفرم‌پذیری، این رژیم هیچ آینده‌ای ندارد. این را به نظرم خود سران رژیم هم می‌دانند. می‌دانید که برای خمینی اصلاً این آرزو مطرح نیست که روزی به سطح دولتی مثل دولت فعلی سودان برسد. شاید برای بازرگان این يك آرزو باشد، ولی برای خمینی نه. بنابراین این خمینی مجبور است بجنگد. وی با مردم خواهد گشت، خواهد سوزاند، خواهد تیراند و مردم را در بند خواهد کرد. خمینی در جواب کسانی که صلح می‌خواهند، گفته بود: "دعا کنید خمینی بمیرد". همین سال قبل بود، که گفته بود: "ما هیچ مخالفتی را سرکوب نکنیم. این روزها ما زنان ما با چه خشونتی رفتار می‌کنند، چگونه کارگران ایران را از هستی ساقط می‌کنند، چقدر جوانان ما را به گوشه‌بندی دم‌توب سیاست جنگ افروزان خود تبدیل کرده است و ۰۰۰۰ هر رژیم نرمان دیگری بود با تشبیهایی به مراتب کمتر از این سرنگون می‌شد. من نمی‌خواهم قدرت دشمن را زیاد ارزیابی کنم. ولی خمینی شوخی بردار نیست و واقعا آنهاهایی که چقدر در جنگ ایستاد رژیم واقعا می‌جنگند، یا لایزال از حماسه می‌آفرینند. خوب این رژیم این کارها را با چه انجام می‌دهد؟ یکی پول نفت است. حالا هرچقدر که باشد، یکی هم نیرویی است که دارد. این رژیم در بین توده‌های مردم کاملاً منفرد شده ولی بهر حال يك پایگاه محدود دارد که اگر این پایگاه را پنج درصد کل جامعه بگیرییم باید این نتیجه را بگیریم که این پایگاهها را دیگر نمی‌توان از رژیم جدا کرد. اینها پاسداران، کمیته جی ها، انجمن‌های اسلامی در کارخانه‌ها، مدرسه، دانشگاه، ادارات، بخش از بسیجها، بخشهایی از نیروهای حاشیه تولید و لومینها و بخش وسیعی از نیروهای سنتی جامعه؛ بخش قدرتمندی بازار و خرده بورژوازی مرفه سنتی، پایگاه ارگانیک رژیم هستند. البته رژیم با این پایگاه بخشهایی محافظه کار و فرمت طلب جامعه را نیز به دنبال خود دارد به اضافه این که با فشار و سرکوب نیز نیروی بسیج می‌کنند. اما خصوصیات پایگاه ارگانیک رژیم اینست که مسلح است و این تعیین کننده است در

اساس ساخت و بافت کلی رژیم سازمان یافته است. ایدئولوژی دارد، آنهم بعینت این که از میدون جامعه و از بین نیروهای سنتی و حاشیه تولید برخاسته يك ایدئولوژی سنتی بر استبداد دینی که به قول مرحوم طالقانی بدترین نوع استبداد است. قفسار خارجی هم به طور مستقیم روی آن موثر نیست. مگر از طریق خریدن نفت و نفروختن اسلحه که این هم البته در دنیای کنونی يك رویای خوب است اما بسا واقعبات تلخ بسیار در تضاد. این رژیم را فقط میتوان با يك لجنزار کامل و عمیق که تمام کثافتهای چندین سده تاریخ در آن جمع شده مقایسه کرد. گفتیم که این يك رویاست که از رژیم نفت خریده نشود و به وی اسلحه فروخته نشود. عقل تجارت پیشه رونق خود را دارد، بخصوص در غرب. همین چندی قبل بود که "مجله اشترن" بار هم از يك خرید تسلیحاتی رژیم از دولت صهیونیستی برده برداشت. همین چند روز قبل بود که يك مقام بلند پایه دولت صهیونیستی اسرائیل (اسحاق شمیر) در پاریس از عادی شدن روابط فرانسه با رژیم خمینی اظهار شادمانی کرد، که معنی سیاسی این امر روشن است. باز همین چندی قبل بود که ریچارد مورفی در مقابل مجاهدین و برای ایزوله کردن آنان در محافل دولتی اروپا و امریکسا موضع آنچنانی گرفت. حتما شما هم در جریان دیدار شيراک با معمری خاش را دیده‌اید. وقتی تلویزیون دوربین را روی شيراک می‌برد، شيراک مرتب بسمه سعیری اشاره می‌کرد و به زبان خبرنگاری به آنها حسالی می‌کرد که، با ما سوزه اینه، این را باید لایسه کرد. همین روزهاست که افشا می‌شود رژیم خمینی به نیروهای وابسته به رژیم نژادپرست افریقای جنوبی که علیه دولت آنگولا می‌جنگند کمک مالی می‌کند و تازه با توجه به همه این فاکتها باز هم رهبری "سوپو" در تهران از مواضع "فد امیرپسات لیستی" رژیم ستایش می‌کند. بنابراین تا آنجا که به مسأله دولتها مربوط می‌شود و با توجه به مسأله "تجارت" برای جهان، مثل مسأله "اسلام عزیز" برای خمینی تعیین کننده است. به این نتیجه می‌رسیم که بار و وزنه عامل داخلی بیش از هر موقع دیگر بالا می‌رود. بقول مجاهدین باید نوددرصد نیروی آن متمرکز شود. و برای این باید "نیرو"ی این رژیم با ابزار ضابط درهم شکسته شود. ما اینجستنا فکر می‌کنم من چیز جدیدی به جز حرفهای سایر اعضا شورا ندادم و تنها ممکن است سر خوانندگان نشریه شما را درد آورده باشم. اما مسأله بعدی اینست که اگر باید "نیرو"ی رژیم را درهم شکست با چه ابزاری؟ مسلماً جواب آن "نیرو"ی رزمنده با ابزار "فهر" است. وقتی صحبت از نیروی رزمنده می‌شود بسزای انقلابیون مسلماً این نیروی رزمنده از دل مردم تهیه میشود. البته این نیز در جامعه انقلابی ما به وفور پیدا می‌شود. حالا من مسأله را کمی تیزتر مطرح می‌کنم، آیا تمامی کسانی که حاضرند بجنگند به معنی اخص کلمه، مجاهد با هر نیروی ایدئولوژیک دیگر می‌شوند؟ آیا چه بخشی از کسانی که حاضرند در ندارد قیام هم شرکت کنند، جزء ارتش خاص مجاهدین می‌شوند؟ آیا انبوه کسانی که مجاهدین را دوست دارند، رهبری سیاسی آنان را در انقلاب

اخبار و رویدادها....

اعتراف منتظری

از صفحه ۸
رادیو رژیم در روز ۲۰ مهر اسامی پیام منتظری را به کرده‌ماشی دانشجویان حزب الهی که در مشهد تشکیل شده بود پخش نمود. منتظری در این پیام یکبار دیگر اعلام نمود که هیچ‌کس است و ضمن اعلام بعضی از مواضع مخالف خط غالب، سعی نموده گسه خود را خارج از صحنه نشان دهد. منتظری می‌گوید: " اینجانب نسبت به سیاست و تصمیم گیریها دخالتی ندارم". وی سپس اضافه می‌کند که: " مسئولین کشور نباید خود را بی نیاز از انتقاد و ایرادگیری بدانند. هیچکس از ما منعشوم نیستیم تا احتیاج به تذکر نداشته باشیم. چرخ زمان به عقب بر نمی‌گردد. شوه‌های فریب و سیاسی بازی و... دوران شمار بدون عمل را تمام کنیم". بدین ترتیب منتظری یکبار دیگر به درهم ریختگی و شدت و حدت یاسی تضادهای درون رژیم و اعتراف می‌کند.

کاهش قیمت نفت

به گزارش خبرنگارهای جهان، قیمت نفت در بازارهای نفتی جهان بطرز بسیار بیسابقه‌ای کاهش پیدا کرده و به بشکه‌ای ۱۱ دلار رسیده است. کارشناسان نفتی ادعا می‌کنند که اگر مساله به این روال ادامه پیدا کند قیمت نفت به بشکه‌ای ۷ دلار خواهد رسید که مشابه وضعیت دو سال پیش خواهد بود. دبیر کل اوپک در این حال به کشورهای عضو اوپک اظهار کرد که دست از سابقه افزایش سهمیه خود بردارند. بنا به گفته خبرنگارهای رژیم خمینی، اضافه تولیدی معادل یک میلیون بشکه بیشتر از سهمیه تعیین شده خود تولید می‌کند. رژیم خمینی با حراج کردن نفت، قیمت آنرا تا بشکه‌ای ۵ دلار پائین آورده تا بتواند از این طریق به بحران‌های بیسابقه خود سروسامان دهد.

اعزام مسئولین فراری

در ارتباط با اعزام مسئولین فراری به جبهه‌ها " شورایی پستیانی جنگ" محوبه جمیدی را اعلام کرد که در آن به سربران فراری تا ۱۸ مهر ماه جاری برای معرفی خود به ارگانهای مربوطه وقت داده‌است بر اساس این محوبه کسانی که تا این تاریخ خود را معرفی نکنند به مجازاتهای شدید تا حد اعدام محکوم خواهند شد.

جاودان یاد خاطره همه شهدای
بخون خفته خلق

حل است. من عمدا از بعضی مواضع حرفی نردم و روی این مساله تاکید کردم. این را هم بگویم موانعی که شورا از جلوی پای جنبش انقلابی برداشته و اقداماتی که در زمینه‌های مختلف انجام داده اهمیت استراتژی یک خود را دارد و به عنوان یک تجربه و دستاورد بزرگ در جنبش انقلابی جهان حفظ خواهد شد.

روزی که آن کز کمر و زحمتی که بدست رنج و سخت ریختی به محمد یگار انقلابی می‌آیند... که نمسا... هر کسی نمی‌تواند و ما نباید وارد بشد سازمان انقلابیون حرفه‌ای شود. چگونه باید انرژی خود را در خدمت تمام قرار دهد.

اگر جامعه ما در یک بحران انقلابی وجود نداشت و سرنگونی رژیم بطور مشخص در دستور کار قرار نداشت. مثلا نیروهای جندانی برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم آزاد می‌شد. اما در شرایط کنونی مساله فرق می‌کند. مبارزه کسانی که ظرفیتهای لازم برای پیوستن به سازمان مجاهدین خلق و یا سازمانهای سیاسی - ایدئولوژیک دیگر را ندارند و یا به علل ملی، طبقاتی، خملتی، فرهنگی و مذهبی نمی‌خواهند با سازمانهای سیاسی بطور اخص کار تشکیلاتی کنند، ولی حاضرند انرژی خود را در خدمت انقلاب قرار دهند و از طریق انگیزه‌های عینی به "فهرست مسلحانه" اعتقاد پیدا کرده‌اند و بخصوص از نظر سیاسی، "جبهه سیاسی" یعنی شورای ملی مقاومت و رهبری آنرا قبول دارند. این نیروها چگونه باید سازماندهی شوند؟

باز هم تاکید می‌کنم که من مخالف باز کردن درها به روی همه در درون یک سازمان انقلابی هستم. برعکس معتقدم سازمان انقلابی باید برای حفظ انسجام و کارایی خود، به اندازه کافی ضوابط و معیارهای دقیق و سخت گیرانه و دقتهای خاص خودش را داشته باشد. انضباط پولادین برای یک سازمان انقلابی بخصوص هنگامی که در موضع رهبری انقلاب قرار می‌گیرد یک اصل بسیار مهم است. بدون معیارهای دقیق برای عضوگیری، بدون نظارت کافی روی نیروهای متشکله یک سازمان انقلابی - با زحمتی که می‌کنیم بخصوص که در موضع رهبری قرار گرفته باشد سازمان مربوطه نمی‌تواند توده‌ها را رهبری کند. اما همین سازمان باید نیروی گسترده‌تری در پایین که می‌تواند آنرا "جبهه نظامی و اندامهای توده‌ای" و یا هر اسم دیگری که مضمون آن، تشکیل توده‌ای از همه کسانی که رهبری سیاسی را قبول می‌کنند و حاضرند در جبهه نظامی با پشت جبهه آن به اشکال دیگر مبارزه کنند، می‌باشد، ایجاد کند. البته پرسوله تکاملی این تشکله در جریان انقلاب، تبدیل آن به شوراها و مسلح خلق است. به این تشکله از آنجا که وحدت آن سیاسی است و نه ایدئولوژیک و از آنجا که ضوابط و معیارهای آن پایین تر از ضوابط و معیارهای یک سازمان انقلابیون حرفه‌ای است، نیروی وسیع تری بدان جلب می‌شود. این "جبهه در پایین" از آنجا جا که همانند "جبهه سیاسی" یک تشکل دموکراتیک و البته در مورد جبهه از پایین توده‌ایست، نیازهای خاص خود را دارد. آموزشهای خاص، آشنی نامسه و ضوابط خاص که مسلما نسبت به سازمان انقلابیون حرفه‌ای از پیچیدگی کمتری برخوردار است. اگر در سازمان انقلابیون حرفه‌ای مسائل باید عمدتا "تیز" حل شود، در این جا بسیاری مسائل باید کمی "گردد" شود البته تا آنجا که به لیبرالیسم منتهی نشود. من فکر می‌کنم مجاهدین خلق با انجام درونی خودشان و با کیفیتی که دارند و بخصوص اکنون که مسئول شورا و رهبری این سازمان در کنار همین و بخشی از نیروهای مقاومت اقامت دارد، این مساله بهتر قابل

موانع بزرگ بر سر راه شورا چه بوده؟ و آیا شورا
توانسته است بر آنها فائق آید یا نه؟

از صفحه ۷۵
می‌پذیرند و حاضرند برای انقلاب جان در گت بسازند کنند. ولی به مثل متعدد نمی‌تواند خطی از گانت و به سعی دینی مجاهد باشد. چگونه باید در جبهه نظامی با پشت جبهه آن شرکت کنند؟ در هیچ جبهه انقلابی توده‌های توده خطی از گانت نبودند. انقلابیون حرفه‌ای که جبهه را رهبری می‌کنند نمی‌شوند. در وینام با وجود این که مردم رنجبری حزب کمونیست را پذیرفته بودند، ولی مردم کمی از آنها خطی با سبکات حزب بودند. در چین همینطور. در افریقای جنوبی الان همینطور است. اساسا سازمان انقلابیون حرفه‌ای که دارای "ایدئولوژی" است و به سعی دقیق کلمه بد "ایدئولوژی" اهمیت می‌دهد درست هم نیست که درهای خود را به روی همه باز کند. حتی سازمانهای جبهه‌ای که بر آنها ایدئولوژی هم حاکم نیست. دارای نیروهای رزمنده‌ای هستند که به هیچکس از نیروهای متشکله "جبهه سیاسی" وابسته نیستند ولی در "جبهه نظامی" می‌جنگند و یا در پشت جبهه آن کار می‌کنند. اگر درهای یک سازمان انقلابی بر روی همه باز شود، یعنی کیفیت فدای کمیت شود، ضرر بسیاری به سازمان مربوطه و به تبع آن به انقلاب خواهد زد. بین تناقض بین ضروری بودن بسج هرچه بیشتر نیرو و جلوگیری کردن از پایین آمدن کیفیت سازمان انقلابیون حرفه‌ای که رهبری جنبش را در دست دارد، چگونه باید حل کرد؟ بر اساس تسمای تجربیات جنبشهای رها شده که به بروز شده چنین تضادی را با ایجاد "جبهه در پایین" چه به شکل "جبهه نظامی" چه به شکل پشت جبهه آن و یا سازمانهای توده‌ای حل میشود. حتی در جنبش فلسطین با این که "فتح" به معنی دقیق کلمه یک سازمان منسجم با ایدئولوژی واحد نیست و خودش یک جبهه است ولی بسیاری از رزمندگان فلسطینی عضو یا سمیات فتح بطور اخص نیستند. عضو هیچیک از جریانهای سیاسی داخل "ساف" هم نیستند. رزمنده فلسطینی هستند که رهبری سیاسی و استراتژی و تاکتیک "ساف" را پذیرفته‌اند. در جنبش ما هم مسله اساسا فرقی نمی‌کند. در این جا هم مجاهدین خلق، ارتش و نیروی نظامی خودشان را تشکیل داده‌اند و خوشبختانه روز بروز هم رشد می‌کند. اما بنظر من با ارتش مجاهدین نمی‌شود. نیروی رژیم را در هم شکست. اگر فرض کنیم نیروی رزمنده پیشتاز و تبلیغه دارد تا شرایطی ایجاد کنند که توده‌ها به میدان رزم مسلحانه بیایند و یا بقول مجاهدین رزم مسلحانه توده‌ای اختناق را می‌درد و عنصر اجتماعی به میدان می‌آید تا امر قیام مسلحانه را به عهده گیرد. باز هم مسله بجای خود باقی است و آن این که آیا نیروهای رزمنده مجاهد می‌توانند به تنهایی توره‌ای اختناق را پاره کنند؟ ببینید این که یک یا چند سازمان سراسری قدرتمند دیگر در کنار مجاهدین نیست دلیل این نمی‌شود که به این امر توجه نشود. اساسا در رابطه با مردم بیشترین آنها نمی‌توانند عضو هیچ سازمان انقلابی حرفه‌ای بشوند. مثلا آن سربازی که از جنگ رژیم فرار می‌کند، آن دانشجو، دانش آموزی که با خطر سربازگیری

جریان حتی تا سازماندهی مسخره آمبر جشنی به پیش رفت که در آن سوموزا تکبیهاناش را بشکل سرسازان روسی ملبس کرده بود.

تحت دیکتاتوری سوموزا، غرب سرمایه‌داری وابسته را در اقتصاد نیکاراگوئه خنجم کرد. رشد سرمایه‌داری که در سالهای پنجاه با تولید پدیده آغاز شده بود، در سالهای شصت با کاربگتوری از رشد ضمنی ادامه پیدا کرد که فقط بدکارهای خارجی کشور را بطور نجومی بالا برده، سود شرکتی‌های امریکایی را افزایش داده و ارزش اضافی را در بانکهای خارجی در حسابهای شخصی سوموزا و اطرافیانش و سرمایه‌داری که تحت حمایت او ترویج شده بودند، انباشته کرد.

در اوایل قرن گذشته شرکت حمل و نقلی که در آغاز ذکر کردیم، قراردادی را که طبعاً رعایت نشد) اختاره کرده بود که این شرکت را موظف می‌کرد ۱۰٪ از سودش را به دولت نیکاراگوئه واگذار کند. اما در زمان سوموزا شرکتی مانند "ماگناوگس آندوستری" درختان جنگلی‌های ما را درو می‌کرد بدون اینکه هیچ قراردادی بوظفش کرده باشد که درختان جدید بکارند یا حتی بگذارد بپروراند.

بورژوازی سوموزائی صرفاً ستاره شریک و همکار کوچکی از بورژوازی امپریالیستی می‌توانست حیات داشته باشد و برای ارضاء اشتهاش سود المصلحت می‌بایست ضرورتاً به کوچکترین و المودترین معاملات دست بزند. بورژوازی سوموزائی برای تکمیل سودی که معایله مشترک با سرمایه‌داری بزرگ امپریالیستی برایش آورده بود، به ناحقه خانه‌ها به مواد مخدر، فاجای عطر، ساعت و مجلات مستقل و به‌غارت هدایایی که خلق نیکاراگوئه به مناسبت حوادث طبیعی از قبیل زلزله سال ۱۹۷۲ دریافت می‌کرد، ابعادی بس گسترده دارد. دیکتاتوری سوموزا حتی خون مردم نیکاراگوئه را به قیمت ارزان به بیمارستانهای امریکایی عرضه می‌کرد.

برای مراکز بزرگ تجاری که در زمان طلای کالیفرنیا بنا بشکوهی کرده بودند، نیکاراگوئه فقط صاحب شهرهای کوچکی شد که مورد هجوم بیماری می‌بودند. باشافه یک پایتخت که در سواحل یک دریای زیبا بنا شده و به توده‌ای از زباله و فاضلاب تبدیل شده بود، سو، تفدیه و کرباب روده و مدهه بطور موققت امری در وقت با هاشمی، پاراگوئا و هندوراس در سرگردانگدن می‌بخشید. بیسوادگی که انقلاب ما به صلاحه اش کشید، در زمان سوموزا در سطحی بود که تفاوت چندانی با زمان مستعمرکی اسپانیا نداشت. وقتی که رژیم دیکتاتوری ظاهراً برپا سازد با بیسوادیش را آغاز کرد. از کتابهای الفبایی استفاده می‌شد که در آن بجای پرچم‌های کشورهای امریکای بزرگتری پرچم "اتحاد برای ترقی" کشید بعنوان پرچم ملی و بجای دکور دیوا، کونستال، لیبریاکونستول، دلار امریکایی بعنوان واحد پول ملی زمین‌های ما ترموسور شده بود. توسط رادیو، تلویزیون، سینما و وسیله سازمانهای امریکایی مانند "بنگاه رشد بین‌المللی ایالات متحده" و "همکاری تازه‌ای برای تربیست عمومی" سعی می‌کردند که نیروی خلاقیت مردم ما را تقیم کرده و نه تنها به لحاظ اقتصادی، بلکه به لحاظ فرهنگی هم به یکی از تبعات بورژوازی ایالات متحده تبدیلش کنند. سعی می‌کردند نیکاراگوئه را به ناتوانی خیالیشان در دگرگون سازی تاریخشان و به برتری عظیم فرهنگ و رهبری امریکا متفاسد کنند. سمبلهای ملی را از محتوای تاریخی تهی می‌کردند و با لاترین این سمبلیا - ساندینو - از متسون تاریخی حذف شد. سعی کردند به خلق ما بقبولانند که فقط ایالات متحده می‌تواند برای نجات از عقب ساندگی، گرسنگی و بیکاری به ما کمک کند و دشمن ما، دشمن ترقی و دشمن ما لاترین ارزشهای ملی ماان کمونیسم بین‌المللی است. سعی کردند کفر نیکاراگوئه همه احساسات ملی را کشته و به یک غروسکد خیمه شب بازی، به یک فاشه‌خانه یا یک قبرستان تبدیلش کنند.

روئای ایدئولوژیکی که بر بنیانیات اقتصادی فوق استثنائی ایجاد شده بود، کاملاً شکننده بود، از این نظر برای حکم سازی دائمی این ساختار هیچ وسیله جز استفاده از خشونت و زور نیانده بود. از این زاویه بود که امپریالیسم به تنها گارد ملی تشکیل‌دهنده، بلکه صف‌رویش را نامش کرده و به قدرت اش با لای تحمیش کرد.

گارد ملی نه تنها وسیله‌ای برای سرکوب خلق نیکاراگوئه، بلکه ابزار سرکوب کلی امریکایی سرکزی شده بود. نیکاراگوئه پایه‌های عملیاتی ایالات متحده بود و در منطقه نقشی را به عهده داشت که امروز سعی می‌کنند به هندوراس تحمیل

کنند. در سال ۱۹۵۴ هواپیماهایی که پایتخت گواتمالا را برای سرکوب ساختن دولت دیمکرانیک "مقبول ارتش" بمباران کردند، از نیکاراگوئه به پرواز درآمده بودند. همچنین در سال ۱۹۶۱ ارتش مزدوری که نقشه تجاوز نافوق خلیج خوکها را درگوبا به اجرا در آورد، در نیکاراگوئه تمرین کرده و آماده شده بود. تحت چنین شرایطی تفکر آزاد سازی ملت نیکاراگوئه فقط می‌توانست در صورت شرکت مستقیم توده‌های کارگران و استثمار شدگان عملی شود.

در اروپا بورژوازی ملی بود که بازار ملی را سر پا کرد و این بر حسب پیدایش زمینه‌های ایجاد یک دولت مدرن ملی شد. این بورژوازی بود که توده‌ها را در مبارزه بر علیه فئودالیسم رهبری کرده بود. اما در نیکاراگوئه بورژوازی بر بنیاد روابط سرمایه‌داری وابسته استوار شده بود و اساس وجودش بعنوان یک طبقه با نفوذ ملی و حضور حاکم امپریالیستی بیوند خورده بود. از این نظر ساندینو حق داشت که در رابطه با مبارزه بر علیه تجاوزات نظامی امپریالیسم می‌گفت: "فقط کارگر-مزاران و کشاورزان قادرند که مبارزه را تا آخر به پیش ببرند." این بدین معنایت که مبارزه آزادمنش ملی می‌بایست بر خلاف آنچه که در اروپا رخ داده، بر علیه رشد یافته ترین بخشهای بورژوازی حاکم به پیش برده شود: بر علیه بخش امپریالیستی و وابستگان ملی آن. این تنها راه ممکن برای دست یابی به یک دولت ملی بود.

در رژیم سرمایه‌داری وابسته سوموزا، دستگاه سرکوب نقش مهمی در پلکان داشتن تضادهای طبقاتی بازی می‌کرد و این موجد اینست که برای خلق ما جهت دستیابی به قدرت سیاسی راهی جز مبارزه مسلحانه باقی نیانده بود. این شرایط شخصی باشافه تجربه شکست مسلحانه در طول سالهای دهه ۵۰ ما را به بنیان گذاری جنبه آزادمنش ملی ساندینستی زهمون کرد. "ساندینستی" بدین معنا که گارسرد تئوری انقلابی می‌بایست بر حول "ساندینسو" و سخت خلقی و شد امپریالیستی شکل بگیرد و این در سنایورهای تفکر کارلوس فونسا است.

بورژوازی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ تاثیر تعیین کننده‌ای بر تکامل انقلاب ما داشت. مصداق آن آگاه بودیم که تغییرات تکنیکی منت مبارزه تضمین شکست خواهد بود. ما ورطه کرده بودیم که در هر کشور شرایط تاریخی و حتی جغرافیایی بخصوص حاکمند که اشکال متفاوتی از یکدیگر برای نیاسیات تولیدی یکسان تعیین می‌کنند. ما ترسناک بودیم که دو خلق می‌توانند تضادهای و مشکلات مشترک داشته باشند. اما در اشکال شخص و خصوصی خودشان گشته حشان نیازمند راههای متناسب با شرایط عملی موجود می‌باشد. ما درک کرده بودیم که دیدگاه اترت-ناسیونالیستی ضرورتاً در تضاد با دیدگاه ملی قرار ندارد بلکه کاملاً بر عکس، بین ایندو یک رابطه دیالکتیکی برقرار است. انقلابی که توسط ایده‌های اترت-ناسیونالیستی تشویق می‌شود، فقط در شرایطی می‌تواند پیروز شود که بر اساس واقعیات و شرایط ملی به پیش برده شود. بین یک ملت و ملت‌های دیگر بین یک خلق و خلق‌های دیگر روابطی از نوع رابطه بین فرد و جامعه وجود دارد. فرد فقط می‌تواند به شکل اجتماعی ادامه حیات بدهد و جامعه در صورتی می‌تواند وجود داشته باشد که انسانها به‌مثابه فرد وجود داشته باشند. به همین شکل هم اترت-ناسیونالیسم لیم انقلابات بون در شرایطی می‌تواند محقق شود که انقلاب با هویت ملی خودش شکل بگیرد. نام آگوستینو سزار ساندینو، و اینکه ما خود را ساندینست می‌نامیم همه آنها را برای ما در بر دارد. نمی‌خواهم بگویم از این در تک تک سراجلی که مبارزه می‌بایست طی کند توقف کنم. نمی‌خواهم تمام مناسبات و سختیهای را که می‌بایست جهت غلبه کردن بر تضادهای بین تئوری و عمل تحمل کنیم، عنوان کنم.

حوالی سال ۱۹۷۷ خلق نیکاراگوئه مجدداً توجه جهانیان را بخود جلب کرد. وقتی که وحشی گسری دیکتاتوری سوموزا ابتدای به وسعت گسترش جمعی خلق پیدا کرده بود، قهرمانهای خلق نیکاراگوئه ظلم سکوت را شکست. در زمان ساندینو خلق ما فاقد شجاعت و تصمیم برای مبارزه نبود. بلکه فاقد حداقل سازمندی و دیسیپلینی بود که تحت شرایط خاصی پدید آمده و تکامل پیدا می‌کند. شرایطی که در پیرو خود مستقیم با کارگران وجود دارد، منافع طبقاتی شان توضیح داده میشود و بواسطه مبارزه رشد می‌یابند. در سالهای دهه پنجاه چنین شرایطی در شهر و روستا پدید آمد و به نوبت آن مبارزات کارگران به سطوح بالاتری ارتقاء پیدا کرد.

با تاثیر پذیری متقابل دیالکتیکی از این مبارزات بود که جنبه آزادمنش ملی ساندینستی در جریان سالهای شصت و هفتاد تشکیل شد. تکامل

پیدا کرده و تثبیت شد. در جریان قیام سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ به لحاظ بین‌المللی تغییراتی در توازن نیروها رخ داده بود که قدرت مانور امپریالیسم را محدود کرده بود. اولین منجر به پیدایش زمینگی شده بود که خلق‌های جهان بتوانند با همبستگی شان تکیه گاهی واقعی برای مبارزه بی‌امان خلق نیکاراگوئه فراهم آورند. مبارزهای که به سقوط دیکتاتوری سوموزا و برپایی دولت خلقی منجر شد. بعد از پیروزی هسانطور که انتظار می‌رفت، ضد انقلاب ما را مجبور به داشتن یک ارتش کرد. اما در نیروهای منظم نظامی سازمانهای نظامی توده‌های مکانیکی داریم که اعمال کنترل خلق بر ارتش و پلیس را تضمین می‌کند: سلیشتمای مردمی و پلیس داوطلب. ما همچنین یک شورای حکومتی داریم که بالاتر از قانون تصمیم می‌گیرد و تجلی اراده خلق است. چرا که تمامی اشعار مردم توسط ارگانهای توده‌ای شان در آن نمایندگی می‌شوند، از اتحادیه‌های کارگری گرفته تا احزاب مختلف سیاسی تا سازمانهای صنفی و کلیسا. توسط ارگانهای از قبیل "کمیته دفاع ساندینستی" خلق نیکاراگوئه بر دستگاه دولت اعمال کنترل کرده و آنرا به ابزار خود در خدمت منافع کارگران تبدیل می‌کند. هویت خلقی دولت انقلابی به واضح ترین شکل، خود را در بسیج‌های عمومی جهت حمایت از طرحها و برنامه‌های دولت نشان می‌دهد. بدون حمایت خلق بسیاری از این برنامه‌ها و طرحها بدلیل محدودیت امکانات مادی و تکنیکی غارت شده توسط امپریالیسم، عملی نمی‌شوند. فی‌الحال ما در سال ۱۹۸۰ موفق شدیم که عملاً در طول چهار ماه میراث قرنهای بیسوادگی را از بین ببریم. در سال ۱۹۸۲ توانستیم میزان واکسیناسیون انجام شده در بهترین سالهای حکومت سوموزا را تا ۱۹۰ درصد افزایش دهیم و توانستیم آمار معاینات پزشکی را سه برابر کنیم. علیرغم وجود بحران، با وجود قیامت‌های نامناسب برای تولیدات اصلی ما، با وجود کاهش اعتبار بهترین موسسات مالی در سال ۱۹۸۰ که تا ۶۰٪ بالغ می‌شد و با وجود خوابکاری دانشی و از گردش خارج ارزهای سرمایه‌ها که تولید ما را کاهش می‌داد، ما توانستیم تولیدمان را سرپا نگاه داریم و جز خوش حساب ترین پرداخت کنندگان امریکای لاتین به بانکهای بین‌المللی بودیم. ما موفق شدیم از تاثیر بحران بر توده‌ها کاملاً و در این رابطه خودمقداسی اصلی را شامل پرداخت سویمت کردیم. ما موفق شدیم ۷۰۰۰ گارد سوموزایی را که از هندوراس با بهترین سلاحها به ما حمله می‌کنند و از طرف گشای جنگی ایالات متحده پشتیبانی می‌کردند، در سرها کنار بزنیم. بدون خلافت واریزی توده‌ها که محدودیت‌های امکاناتی و فنی را جبران می‌کند، هیچکدام از این وظایف عملی نمی‌شد. اگر خلق نیکاراگوئه انقلاب ساندینستی را انقلاب خودش نمی‌دانست، چنین سطح عظیمی امکان پذیر نبود. و این بیانگر اینست که میهن ما برای اولین بار در تاریخ به یک حکومت ملی دست یافته و خلق نیکاراگوئه ارگانهای دولتی دارد که در آینده امکان رشد مستقل اقتصادی را تضمین می‌کنند. در نیکاراگوئه مرحله تاریخی انتخاباتی خلقی تحت قانون "رب" و تحت کنترل سوال‌های امریکایی سرای همیشه پایان پذیرفته است. دوران تحقیر امیری که دولت‌های نیکاراگوئه ای می‌بایست به واشنگتن حساب پس بدهند تاریخاً سرخا می‌گشته. دولت انقلابی فقط به خلقی حساب می‌دهد که با انقلابش آسرا به قدرت رسانیده است. گفتیم روشن ترین دلیل هویت خلقی دولت انقلابی، بسیج عمومی جهت حمایت از برنامه‌هایش می‌باشد. اینجا اضافه می‌کنیم که خود دشمن امپریالیسم هم که با بشری می‌کشد می‌تواند از راه که نزدیک به نیم قرن مردم ما را سرکوب کرده حمایت می‌کند، استدلال ما را تکمیل و تأیید میکند. سطله ما اینجاست که می‌خواهیم ماهیت ملی

و مردمی دولت انقلابی را حفظ کرده و سیستم اداری مان را بر حسب منافع مردم نیکاراگوئه و نه به مقتضای نیازهای دولت ایالات متحده - رشندهیم. همانطور که انقلابات نمی‌توانند کپی برداری مکانیکی از انقلابات دیگری باشند که در کشورهای دیگر پیروز شده‌اند، یک دولت ملی هم نمی‌تواند کپی‌های از دولت‌های دیگر که در شرایط اقتصادی و فرهنگی دیگر حکومت می‌کنند، باشد. اخیراً کمیسیون‌های نمایندگان احزاب مختلف سیاسی نیکاراگوئه به مکزیک، و نروژ و حتی ایالات متحده سفر کرده. البته نه برای تقلید کردن بلکه برای اینکه تجارب این کشورها را در رابطه با انتخابات جمع‌آوری کرده، با تجارب خودمان آمیخته و سیستمی ابداع کنند که بر خصوصیات مردم ما مستقیم باشد تا در چهارچوب آن انتخاباتی برگزار شود که کنترل خلق بر دولت را تضمین کند. ادامه دارد

هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر

در اکتبر ۱۹۱۷ در کشور پهناور روسیه آرزوی صدها میلیون از محرومان و رجز کشیدگان جهان در انقلابی عظیم و پر شکوه تحقق یافت. سوسیالیسم و قدرت کارگران به واقعیت مادی تبدیل گشت.

پرولتاریا زنجیر اسارت و بردگی را از هم گسست و یوزه سرمایه‌داران و سرانجام و تمام‌سازشکاران را به خاک مالید. انقلاب اکتبر با شکست نظام سرمایه‌داری در روسیه و برقراری جمهوری شورایی بنیاد نابودی امپریالیسم جهانی، انحصارات بین‌المللی و مالی را به نوده‌ها نوید داد. انقلاب پر شکوه سوسیالیستی اکتبر با استقرار شوراها، کارگران، سربازان، دهقانان، توده‌ها را بر سرنوشته خود حاکم گردانید و دموکراسی واقعی، صلح، نان و آزادی را برای توده‌ها به ارمغان آورد. انقلاب اکتبر به مثابه نقطه عطف تاریخی و مهمترین تحول در آغاز عصر کمونیستی، تفسیر کیفی برجسته‌ای در هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی بشریت ایجاد نمود.

با پیروزی انقلاب اکتبر فصل نویسی در راهی بشریت از قید استثمار و بندگی کشوده شد. تاثیرات این تحول از حوزه ملی خارج و جنبه جهانی یافت و موجب رشد و گسترش انقلابات پرولتری و جنبشهای رهاشبخش گردید. پس از پیروزی انقلاب اکتبر و با پیروزی انقلابات سوسیالیستی و رهاشبخش در نقاط مختلف جهان اردوگاه سوسیالیستی بوجود آمد و تبدیل به پایگاه مستحکم‌سپهرای مبارزه انقلابی پرولتاریا و خلقهای تحت ستم جهان گردید.

اکنون در هر گوشه‌ای از جهان که مبارزه‌ای برای صلح و سوسیالیسم جریان داشته باشد تجارب انقلاب اکتبر و دست آوردهای نوین سوسیالیسم همواره بکار گرفته میشود. پیروزی انقلاب اکتبر صحت استراتژی و تاکتیک حزب بلشویک و متنی انقلابی آن تحت رهبری لنین کبیر را که با تحلیل علمی سیر شرایط مشخص روسیه طرح ریزی شده بود، نشان داد. همچنین تحقق انقلاب اکتبر به معنای پیروزی اندیشه‌های لنین در برابر تمامی سازشکاران و رفرمیستهایی بود که انقلاب پرولتری در یک کشور ولزوم قهر انقلابی و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را نفی می‌کردند.

لنین دوسال پس از انقلاب اکتبر چنین گفت: "تاریخ به ما نشان داد که بدون قهر انقلابی کسب پیروزی ممکن نیست. بدون قهر انقلابی علیه دشمنان و سوازی طبقه کارگران و دهقانان درهم شکستن مقاومت این استثمارگران ممکن نیست."

علمی‌رغم فشارهای اقتصادی، سیاسی، روانی و مخالفان اکتبر، سوسیالیسم رشد کرد و کیفیتهای نوین و اندیشه‌های تازه‌ای را به جامعه بشری عرضه نمود. سوسیالیسم موجود و جنبشهای رهاشبخش در پیوند با مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر تغییرات کیفی در عرصه بین‌المللی بوجود آورده است و دیگر سیستم امپریالیستی قدرت بلامنازع جهان نیست. جریان تکامل اجتماعی به دو سیستم سیاسی و اقتصادی بسط یافته است. سیستم کمونیستی و سیستم سرمایه‌داری. سیستم کمونیستی جامعه‌ای است که در جهت مادیت بخشیدن آرمان و لای طبقه کارگر حرکت

می‌کند. "بایستی برای جنگها، صلح در میان ملتها توقف چپاول و وحشیگری. همچنین است ایده آل ما" (لنین مجموعه مقالات جلد ۴۱، ص ۱۰۰). سیستم امپریالیستی گسترش غارت و چپاول خلقها، خملت جنگ افروزی و... و با لآخره ناپسندی بشریت.

اما علمبرقم تلاشهای مذبوحانه امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی در جهت ضربه زدن به سوسیالیسم موجود انقلاب در سطح جهانی پیش می‌رود، حیطة اقتدار امپریالیستها، انحصارات محدود می‌گردند. همچنین روند انقلابات جهانی و پیروزیهای بی‌دری



در ماه ۱۹۱۷ میلادی، لنین در جریان یک سخنرانی در مسکو، روسیه. (تألیف: نیکولای پیکانوف)

آن صحت اندیشه‌های علمی مارکس و انگلس، لنین مبنی بر اجتناب ناپذیری ناپودی نظام سرمایه‌داری و برقراری کمونیسم را به اثبات می‌رساند. ما در سالروز انقلاب پر شکوه اکتبر، این پیروزی بزرگ عصر کمونیستی را به همه کارگران و خلقهای سراسر جهان، به همه احزاب و سازمانهای انقلابی و کمونیستی جهان، به مردم، دولت و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبریک و شادباش می‌گوئیم.

پینوشه را خواستار شدند و تظاهرات با بورش پلیس و زخمی شدن تعداد زیادی روبرو گردید. در اینحال پینوشه اعلام کرد که تصمیم دارد تا آخرین روز موعد انتخابات ریاست جمهوری اش روی کار بماند و تسلیم خواسته‌های مردم نخواهد شد.

محکومیت رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت
منتشر شده از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران مبنی بر اعمال شکنجه‌های گوناگون در زندانهای خمینی و تانک اذرفت اطلاعات مبنی بر "افزایش روزافزون اختلافات در ایران" خواستار تطبیق عشویت و اخراج رژیم خمینی از سازمان ملل متحد شدند.

امضا کنندگان ضمن اعلام اینکه حکومت خمینی حکومتی مطلقه بوده و بیانیه جهانی حقوق بشر را نیز محترم نمی‌داند، از کلیه سازمانهای بین‌المللی و به ویژه از شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد خواسته است که با همه وسائل ممکن از شورای ملی مقاومت که تبلور و تجسم مقاومت عادلانه مردم ایران است، حمایت نمایند.

کردند. دیکتاتور محبتر در آستانه برگزاری همه بررسی با ایجاد بلوا و آشوب‌های خود ساخته از قبیل انفجار چندین بمب قوی و قطع برق شهرهای سانتیاگو و چند شهر بزرگ دیگر سعی در ایجاد اختلال در برگزاری همه بررسی نمود. به گفته رهبران ایوزیسیون کلیه این اقدامات در جهت داشتن بهانه برای برهم زدن همه بررسی می‌باشد. در صورت آوردن رای، پینوشه بعد از هشت سال دیگر بعنوان رئیس جمهور شیلی انتخاب می‌شد و در صورت عدم اصرار آن‌وی ناچار می‌شد که تا یکسال دیگر مقدمات برگزاری انتخابات عمومی ریاست جمهوری را فراهم آورد.

در تاریخ ۵ اکتبر همه بررسی با شرکت حدود ۹۰ درصد رای دهندگان شیلی انجام یافت و صبح فردای آن فرمانده نیروی هوایی شیلی ژنرال "فرماندو ماته‌آبی" شکست پینوشه در فرماندوم را اعلام کرد. حدود یک میلیون نفر از مردم شیلی فردای اعلام این خبر به خیابانها ریخته و استعفا، بلافاصله

شکست پینوشه در انتخابات

از صفحه ۱
محاکمه شده‌اند می‌توانند به کشور بازگردند. جنبش "چپ متحد شیلی" که مرکب از سازمانهای میسر و حزب سوسیالیست و پنج سازمان سیاسی چپ دیگر است تصمیم به شرکت در این همه بررسی گرفت. در تاریخ ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ سپتامبر تظاهراتی در مخالفت با پینوشه انجام گرفت که منجر به درگیری با پلیس شد.

ایزابل آلنده و هورتنسیا بوسی دو آلنده دختر و همسر رئیس جمهور فقید شیلی که بدست پینوشه به قتل رسیده بود، و تعداد دیگری از رهبران احزاب و سندیکاهای کارگری که در مهاجرت بودند به شیلی بازگشتند.

به گفته خبرنگارها دو روز قبل از برگزاری فرماندوم در ۳ اکتبر جمعیتی بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر با حمل پلاکاردهایی که روی آنها کلمه "نه" نوشته شده بود تظاهرات عظیمی برپا

اخبار و رویدادها....

ارائه آمار مجعول تلفات جنگ از سوی رژیم آخوندی

آخوند خاتمی، معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوای خمینی، در رابطه با قربانیان جنگ آمار دروغی ارائه داده که در روزنامه کیهان روز ۲۷ شهریور امسال منتشر شده است. آخوند خاتمی تعداد کشته شدگان رژیم را در مجموع اندکی بیش از ۱۲۲ هزار نفر به ترتیب زیر اعلام می‌کند:

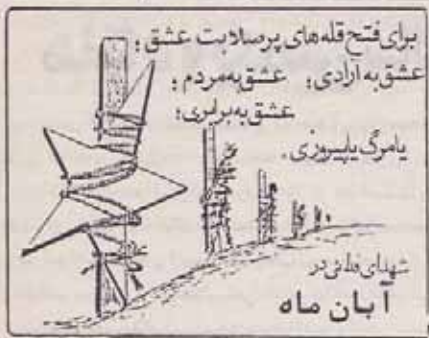
از سپاه بسیج ۷۹۶۴۴ نفر، از ارتش ۲۵۱۷۰ نفر از زانداصری ۵۰۶۱ نفر، از جهاد سازندگی ۲۰۷۵ از کمیته‌ها ۱۰۰۶ نفر و از شهربانی ۲۶۴ نفر. وی تعداد سقوطین رژیم را ۶۰۷۱۱ نفر اعلام می‌کند. وی همچنین تعداد کشته شدگان رژیم در مقابله بانبروهای مقاومت را در کنار کشته شدگان جنگ شهرها قرار می‌دهد و آنان را یازده هزار نفر اعلام می‌کند. این دروغ رژیم آنقدر واضح بود که تقریباً تمامی خبرنگارها و رادیوها و روزنامه‌های خارجی که این خبر را نقل کردند از آن بعنوان یک خبر دروغ یاد کردند. بنا توجه به اینکه رژیم در تمامی حملات خود بخاک عراق از حملات همراه با موج انسانی استفاده می‌کرد و با توجه به اینکه در اینگونه حملات ارتش عراق در موضع دفاعی از حداکثر آتش ممکن استفاده می‌کرد و با توجه به اینکه گورستانهای مملو از قربانیان جنگ باید این دروغ آخوندی را بزرگترین دروغ تاریخ دانست. بخصوص وقتی محسن رضایی سرکرده مزدور سپاه در مجمع فرماندهان سپاه در تاریخ ۲۵ شهریور تعداد کشته شدگان عراق در جنگ را بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند، باید با قاطعیت اعلام نمود که تعداد کشته شدگان رژیم خمینی حداقل سه برابر طرف مقابل جنگ خواهد بود و بنابراین اگر مبنای ارقام اعلام شده توسط محسن رضایی قرار دهیم باید تعداد کشته شدگان رژیم را رقمی بین ۷۵۰ تا ۹۰۰ هزار نفر دانست.

بیانیه عفو بین المللی در محکومیت کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی

در تاریخ ۱۱ شهریور ماه جاری عفو بین المللی با صدور بیانیه‌ای تحت عنوان اقدام قوری، موج اعدام های سیاسی در ایران را که در ماه گذشته انجام شده و هنوز ادامه دارد را محکوم نمود. در این بیانیه عفو بین المللی با اشاره به کشتار زندانیان سیاسی وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر گروههای سیاسی مخالف به مدارک و شواهد و عکسها پی که در رسانه‌های خود رژیم منتشر شده‌اند استناد کرده و نگرانی خود را نسبت به افزایش این اعدامها اعلام نمود. بیانیه با انعکاس سخنان موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائی رژیم در رابطه با اعدام بدون محاکمه هواداران مجاهدین مخالفت خود را با این اعمال ابراز نموده و از کلیه سرازر و سرویسهای خود در سراسر جهان درخواست کرده که با ارسال نامه و تلگراف به مقامات رژیم خمینی و افزایش فشار در این جهت خواستار قطع فوری اعدام های سیاسی شوند. در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:
۱۲۸۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز - تحت رهبری سوسپال دمکراتها
۱۲۹۳ - درگذشت سنارخان ستار ملی
۱۳۰۴ - شروع میرزابیچی واعظ کیهانی (قزوینی) یکی از کمونیست های ایران هنگام طرح لایحه خلق سلطنت قاجار در مقابل ساختمان مجلس
۱۳۲۲ - آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن نفت، توسط بیدادگشاهای رژیم خائن شاه
۱۳۲۳ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه
۱۳۳۳ - تصویب قرارداد با کنسرسیوم بین المللی نفت به ابتکار پیر نوکو استعمار، علی امینی خائن
۱۳۳۳ - تیرباران چند گروه از افسران مبارز
۱۳۳۸ - اعتصاب کارگران کارخانه شهنواز اصفهان
۱۳۴۳ - تصویب قانون اعطاء منونیت سیاسی به مستشاران امریکا با احياء کابینه تولا سیون
۱۳۵۷ - آزادی گروهی از زندانیان سیاسی
۱۳۵۷ - اعتصاب ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن با خواست لغو محیط حکومت نظامی در کارخانه
۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه دانش آموزان و دانشجویان قهرمان در دانشگاه تهران بدست عمال رژیم شاه
۱۳۵۷ - سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی
۱۳۵۸ - اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان خدامام
۱۳۵۸ - سقوط کابینه بازرگان
۱۳۵۹ - اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه‌های مجاهدین و آزادی انقلاب و فریادگوششین توسط دادستانی ارتجاع
۱۳۵۹ - قتل عام روستائیان در ایندرفاش توسط رژیم خمینی
۱۳۶۲ - تصویب طرح شورای ملی مقاومت برای خسود مخفاری کردستان
خارجی:
۱۹۲۵ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات
۱۹۱۷ - پیروزی اولین انقلاب پرولتری در جهان
۱۹۶۶ - روز استقلال جمهوری زامبیا
۱۹۷۶ - پیروزی انقلاب آنگولا بر استعمارگران پرتغال و تاسیس جمهوری خلق آنگولا
۱۹۸۲ - شروع ناخوارانه ایندیرا گاندی نخست وزیر هند
۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات عمومی در نیکاراگوئه و پیروزی جنبه ساندینیست



رفقای فدایی:
- سیروس سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری
- فرد - رحیم خدادادی - عثمان گرمی - هادی اشکانی
- لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود
- نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - بهران
- محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله
- بهرامی (موسی) - حمید دژآگاه - مرتضی فخر
- طباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - عبدالله
- فیض الله بیگی - عمر صالحی از آبان ماه ۵۰ تا کنون
طی مبارزه علیه رژیم شاه و خمینی بشهادت
رسیده‌اند.

خودسوزی یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در مقابل مقر ملل متحد در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران

در جریان تظاهرات هواداران مقاومت ایران در نیویورک که در چهارچوب تظاهرات جهانی علیه موج اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی و با ابتکار اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، برگزار شد، یکی از هواداران مجاهدین بنام سپهراد امین که به قصد شرکت در این تظاهرات از کالیفرنیا به نیویورک آمده بود در حالی که پهلوانانه فریاد مرگ بر خمینی و زنده باد صلح و آزادی سر می‌داد به منظور اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران، در مقابل مقر سازمان ملل متحد جان پرشور خود را به آتش سپرد تا شعله‌ای گردد برای هر چه فروزاتر کردن آتش نبرد خلق بر علیه رژیم سفک و جنایتکار خمینی - سپهراد قهرمان با این عمل خود بعدی دیگر از فدائیکارها و جانفشانیهای مردم ایران را در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی به جهانیان نشان داد. فدای امروز یعنی در ۱۹ شهریور، سپهراد دبیرفرزنده قهرمان خلق بر اثر شدت جراحتات و سوختگیهای عمیق در بیمارستان شهادت رسید.

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم سیهان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه تشریح واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید
SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
BOULOGNE - S - SEINE
آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME. R.T. TALAT نام صاحب حساب

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر
مکاتبه کنید.
HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE